آیت ماندگار

- دوهفته نامه سیاسی، اجتماعی
- شماره ۱۹
- نیمه دوم شهریور ۱۳۹۵
- سال دوم

- ۸ صفحه
- قیمت: ۱۰۰۰ تومان
- Political, Social

ayatemandegar
biweekly No.19 Second Half of September.2016

بررسی «آیت ماندگار» در باب حواشی تخلفات احتمالی شهرداری تهران:

دو نگاه متفاوت به نجومی‌ها!

امیرمهدی جلایری-روزنامه‌نگار: پس‌ازآنکه که فیش‌های حقوقی کلان برخی مدیران دولتی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، رسانه‌های گسترده اصول‌گرا به‌جای نقد منصفانه، این مسئله را دستمایه‌ای برای حملات پیاپی به دولت یازدهم قراردادند تا بتوانند از این فرصت بهره‌برداری‌های جناحی داشته باشند. ماهیت عملکرد آن‌ها در خصوص این حملات زمانی آشکار گردید که در برابر شبهه واگذاری املاک نجومی به افراد متنفذ، سکوت و یا حمایت از شهردار تهران را در دستور کار خود قراردادند. این بی‌انصافی سازماندهی‌شده در حالی صورت پذیرفت که طبق گفته‌های برخی اعضای صنف بنگاه‌داران املاک، ارزش بعضی املاک واگذارشده، به‌اندازه بیش از ۵۰۰ ماه حقوق‌های به‌اصطلاح نجومی برخی از مدیران بود. پس از چند روز، اخبار واگذاری املاک که گفته می‌شد به‌جز بعضی اعضاء و کارمندان شورای شهر تهران به برخی اعضای چند تعاونی، ازجمله برخی کارمندان اثرگذار صداوسیما نیز واگذارشده بود، سروصدای مردم را در فضاهای مجازی درآورد تا اینکه در جلسه علنی شورای شهر، غلامرضا انصاری و احمد حکیمی پور از ورود سازمان بازرسی کل کشور به این پرونده خبر دادند... ۶

نظام‌آموزشی، مانعی برسرراه‌توسعه‌همه‌جانبه

ابوالفضل زاهدی پور
روزنامه‌نگار
۶و۷

آموزش بدون مهارت، آفت این روزهای کشور

مرجان کاوسی
فعال‌سیاسی
۶

کمیل سوهانی، کارگردان مستند «مادر کشی» در گفت‌وگو با آیت ماندگار:

برخی مدیران، فیلمم را زردو پوپولیستی دانستند!
۷

پرونده‌ای پیرامون عملکرد ورزش ایران در المپیک ریو:

شکست یا پیروزی؟ مسئله این نیست!

با مطالبی از:

حسن روشن
مسعودسلیمانی
علی علیپور دانشمند
فرامرز می آبادی
علی لطیفی
حسن خان محمدی
سعید آئم
و...
+ به همراه گفت‌وگویی با مصطفی هاشمی طبا

طراح: هادی کاظمی
hadikazemi1990

سرمقاله

حسن یزدانی نماد جنگندگی

محمد آیتی
مدیرمسئول

شاید باورکردنی نباشد که ۱۶ سال، کشتی آزاد ایران در المپیک صاحب مدال طلا نشده بود. برای کشوری مثل ما که کشتی، شانس اول افتخارآفرینی کاروان در المپیک می‌باشد تحمل ۳ دوره بدون مدال طلا در رشته آزاد خیلی سخت و ناراحت‌کننده بود. به‌هرتقدیر این طلسم ۱۶ ساله توسط حسن یزدانی، جوان جویباری شکسته شد تا شاید این مسیر برای کسب مدال خوش‌رنگ طلا در دوره‌های بعدی المپیک هموارتر از گذشته شود؛ اما موضوعی که نظر ایرانی‌ها را به خود جلب کرد، اعتمادبه‌نفس بالای حسن یزدانی بود. او با ۲۲ سال سن و با کمترین تجربه بین‌المللی پا به عرصه گذاشت ولی باقدرت و تکنیک مثال‌زدنی خود توانست تمام رقبای خود را شکست دهد تا به بزرگان کشتی دنیا ثابت کند که سن و تجربه تمام کشتی نیست. ۸

در این شماره می خوانید

یادداشتی به قلم نجمه پرویزی:
وقتی درآمد جای علاقه را می‌گیرد
۷

نگاهی متفاوت به یادگار دوران اصلاحات:
آسیب‌شناسی شوراهای محلی در ایران
۴

گزارشی به بهانه بازگشایی مدارس:
مهارت‌آموزی، نیاز نظام آموزشی کشور
۵

یادداشتی به قلم محمدهادی جامعی به مناسبت سالگرد آیت‌ا... طالقانی:
طالقانی، قهرمانی به‌یادماندنی
۸

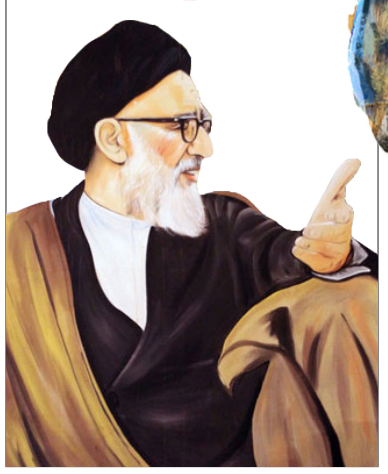

منتقد

فوتبالیست‌های مستعد و مدیران غیرمتخصص

علی لطیفی
پیشکسوت فوتبال

حضور در مسابقات المپیک برای هر ورزشکاری یک آرزوست. عرصه‌ای برای دیده شدن و حتی نام‌آشنا شدن. بی‌تردید حضور موفق یک ورزشکار یا یک تیم در این عرصه بین‌المللی که لااقل دو میلیارد بیننده دارد می‌تواند آینده قهرمانان را تضمین کند؛ همان‌طور که یک بازیکن فوتبال با درخشش خود در جام جهانی می‌تواند بستری را برای پیشرفت خود چه به لحاظ فنی و چه به لحاظ مالی تضمین کند؛ اما به اعتقاد اکثر مردم و کارشناسان، مدال طلای فوتبال المپیک از ارزش ویژه‌ای برخوردار است. حال که این مسابقات به اتمام رسیده و تا المپیک ۲۰۲۰ ژاپن چهار سال باقی‌مانده است فرصت خوبی است که دلایل عدم حضور ۴۴ ساله تیم ملی فوتبال المپیک ایران بررسی شود. بی‌شک سرزمین ایران به لحاظ استعداد فوتبال، مستعدترین کشور در آسیا و یکی از مستعدترین کشورها در جهان است؛ اما اینکه نتوانستیم در بیش از چهار دهه در سطح تیم ملی امید موفق شویم نشان از آن دارد که راه را کج رفتیم، به‌طوری‌که عراق جنگ‌زده و غرق در بحران‌های داخلی نه‌تنها به این مسابقات راه پیدا می‌کند، بلکه در مقابل میزبان و قهرمان این مسابقات به‌تساوی صفر بر صفر هم می‌رسد. به نظر من این کج روی را نه در بین بازیکنان که در بین مدیران فوتبالی باید جستجو کرد. وقتی به گذشته تیم امید کشورمان می‌نگریم می‌بینیم که همیشه افرادی در رأس کار بودند که اگر قرار بر شایسته‌سالاری بود، حتماً نفرات اصلی و تصمیم گیر تیم ملی امید نبودند. انتخاب محمد خاکپور به‌عنوان سرمربی نه‌تنها ظلم به مردم بود که حتماً ظلمی بزرگ در حق این بازیکن خوش‌اخلاق دهه ۷۰ فوتبال کشورمان بود. حال وقتی گذشته مدیریت فوتبال تیم ملی امید را ورق می‌زنیم با چنین سوء مدیریت‌هایی روبرو می‌شویم که همیشه گریبان فوتبال را گرفته است. عدم نظارت به تیم‌های فوتبال پایه همیشه کار را برای سرمربی تیم ملی امید سخت و فوتبال ملی را با مشکل روبرو ساخته است. کسانی که تا دیروز سابقه یک بغل‌پا زدن را نداشتند امروز با یرورویی تمام، بخش‌های فوتبال پایه را دست گرفتند. افرادی که فوتبال بازی کردند می‌دانند که در بخش پایه که مهمترین زیربنای فوتبال یک کشور است، مربی و کادر فنی و حتی مدیران آن فقط باید روی کارآموزشی متمرکز باشند. در دهه‌های گذشته خیلی از افرادی که از وضعیت جسمی خوبی برخوردار نبودند کار فوتبال پایه را به دست گرفتند که این موضوع جای تأمل دارد. بی‌شک فدراسیون فوتبال مقصر اصلی این اتفاقات است و مدیران فدراسیون باید تاکنون تلاش می‌کردند که جلوی این رابطه‌ها و بی‌نظمی‌ها را می‌گرفتند نه آنکه خود کمکی به شرایط موجود کنند. متأسفانه مدیران فوتبالی ما، توجه خاصی به کیفیت کار ندارند و مرتب خود را گرفتار کمیت‌ها کرده‌اند. فوتبال یک عرصه بسیار وسیعی است که به‌وسیله آن می‌توانیم بسیاری از حرف‌های غیرورزشی خود را به دنیا برنیم. به‌طور مثال پیروزی بزرگ و ارزشمند فوتبال کشورمان در مقابل آمریکا در جام جهانی ۱۹۹۸ خود پیام‌های زیادی را در برداشت که اگر صدها هزار میلیارد در بخش‌های دیگر هزینه می‌شد این‌گونه بازخورد نداشت. اعتقاد دارم وزارت ورزش و جوانان به‌صورت کلی به فوتبال نگاه می‌کند و تصمیمات نهایی و ریزتر را طبق قانون در اختیار خود فدراسیون گذاشته است ولی پیشنهاد می‌شود که وزارتخانه کمی جدی‌تر از گذشته به موضوع فوتبال ورود پیدا کند، نه آنکه افرادی از وزارتخانه بیایند و تیم بگیرند بلکه با همفکری با مدیران فوتبالی، بستری را برای آینده بهتر رقم زنند. شاید با وضعیت کنونی که فوتبال کشور با مشکلات زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کند، در راه صعود به جام جهانی ۲۰۱۸ با مشکل روبرو شویم. ان شاا... آقای تاج، رییس فدراسیون فوتبال و آقای اسدی، دبیرکل فدراسیون که یکی از افراد شاخص فوتبال کشور است باصداقت کامل به مشکلات پیشرو فوتبال ورود کنند و راه را برای صعود بی‌دغدغه تیم ملی به جام جهانی و شکستن طلسم ۴۴ ساله عدم حضور تیم ملی امید به المپیک، هموار کنند.

دریچه

سهیل دستمالچیان
فعال ورزشی

فرهنگ قبول شکست

مسابقات المپیک ریو ۲۰۱۶ هم به پایان رسید و مثل همیشه حاوی لحظات غم و شادی زیادی بود. فارغ از اینکه ورزشکاران ما در این دوره موفق یا ناموفق بودند، می‌خواهم تحلیلی بر عملکرد و نگاهی جامع‌تر بر رفتار شرکت‌کنندگان ایرانی پس از بردوباخت داشته باشم و به نکات حائز اهمیتی در این دوره از مسابقات اشاره‌کنم. بررسی ۲۰ سال حضور ایران در المپیک از سال ۱۹۹۶ آتلانتا تا ریو ۲۰۱۶ برای ما روشن می‌کند که ورزش ما به‌صورت کلی پیشرفت و یا پسرفت قابل‌ملاحظه‌ای نداشته است و ما تک‌تک مدال‌هایی که کسب کرده‌ایم بر روی نبوغ و خلاقیت آن‌هم در ورزش‌های انفرادی بوده است. جالب اینجاست که فارغ از نگاه به مدال‌ها، تنها جایی که می‌توان گفت ورزش ما دارای ساختار و ریشه بوده و در این راستا توانسته به‌صورت جهشی خود را به المپیک برساند و در مراحل بالاتر قرار گیرد، والیبال بوده است. لازم به ذکر است فوتبال پرطرفدارترین ورزش کشور ماسالیان سال است که در حسرت حضور در المپیک مانده و دلیل آن این است که خلاقیت فردی در اینجا جایگاهی ندارد تا بتوان مانند کشتی، تکواندو و یا وزنه‌برداری برنده سکوها باشیم. از حیث سهمیه حضور در المپیک می‌توان گفت که پیشرفت کمی داشته‌ایم؛ با علم به این‌که سهمیه ورزشکاران در هر دوره برای همه کشورها در حال افزایش می‌باشد اما تعداد ورزشکاران اعزامی ما از ۲۰ سال قبل تا به امروز ۶۳ نفر افزایش پیداکرده که این موضوع جای بسی خوشحالی دارد. موضوع را این‌گونه دنبال می‌کنیم که اگر آماده‌سازی درست و اصولی و برنامه‌ریزی در دوران قبل از المپیک صورت بگیرد شاهد اشک‌های غم‌انگیز مربیان و ورزشکاران نخواهیم بود. ورزشکاران ما همواره عادت کرده‌اند که مسئولیت شکست را به گردن داوران و شرایط جوی نامناسب بی اندازند و دراین‌بین کمترین تقصیر را برای خود و کادر فنی قائل‌اند. با نگاهی کوتاه به مصاحبه‌های بسیاری از ورزشکاران ایرانی بعد از شکست و ناکامی به این نکته پی می‌بریم که آن‌ها دلیل عدم موفقیت خود را در ناداوری و حق خوری می‌دانستند، جزء والیبالیست‌ها که تمامی آن‌ها به این نکته اشاره کردند که تمام قدرت ما همین بود و با تمام وجود در زمین حاضر شدیم. این نوع برخورد به بیننده حس بهتری را منتقل می‌کند زیرا آن‌ها احساس می‌کنند ورزشکار کشورشان برای آن‌ها ارزش قائل شده است. چرا باید هر دوره با انبوهی ورزشکار شرمنده و گریان مواجه شویم؟ چرا باید بعد از شکست احساس ضعف و کوتاهی از ورزشکاران حاضر در المپیک به تک‌تک بینندگان منتقل شود؟ چرا نباید مانند والیبالیست‌ها طوری تلاش شود که بعد از باخت هیچ‌کس نه‌تنها ناراحت نباشد بلکه برایشان هورا هم بکشند. دلیل این را در عملکرد سالیان گذشته فدراسیون والیبال چه در زمان یزدانی خرم و چه در زمان داورزنی باید جست. مقایسه کوتاهی ازلحاظ وسعت و نیروی انسانی با چند کشوری که رتبه بهتری نسبت به ایران دارند برای ما روشن می‌سازد که نداشتن برنامه دقیق و فرصت سوزی و استفاده نبردن از حداکثر امکانات موجود، دلایل عمده این شکست‌های پیاپی بوده است. به عنوان مثال کشور ژاپن که وسعتی کمتر از یک‌چهارم ایران را داشته و یا قزاقستان، ازبکستان و حتی کشوری مثل مجارستان، نتایج به‌مراتب بهتری را نسبت به ایران کسب نمودند در رابطه با کشوری مثل ژاپن باید به نقش باتوان در کسب مدال‌ها اشاره کرد. اما مهم‌ترین اتفاق المپیک برای ایران، کسب مدال برنز توسط کیمیا علیزاده بود. مدالی که سال‌هاست به دنبال آن بودیم نه اینکه در نگواندو تشنه مدال بودیم و نه اینکه این برنز جایگاه ما را در جدول دستخوش تغییر می‌کرد، نه! خوشحالی ما برای این بود که یک بانوی ایرانی برای اولین بار به روی سکو می‌رفت. جایی که جایگاه خیلی از زنان و دختران ایرانی می‌تواند باشد و اتفاقی که می‌تواند نشاط و شادابی را تا مدت‌ها به خانه‌های تک‌تک ایرانیان بیاورد. این مدال ارزشمند، فرصتی برای احیای اعتمادبه‌نفس تمام بانوان ورزشی ایران می‌تواند باشد تا آن‌ها با باور خود بتوانند مدال‌های بعدی را یکی پس از دیگری تصاحب کنند. در پایان هر دوره از مسابقات، تمامی مسئولین با ادبیاتی تکراری و آزاردهنده می‌گویند که باید برای مسابقات آینده برنامه‌ریزی دقیق‌تری انجام دهیم و اشتباهات گذشته را تکرار نکنیم و مشکلات را ریشه‌یابی و حل کنیم! اما در پایان هر دوره که ایران در مسابقات المپیک شرکت کرده نتایج آن نشان از آماده نبودن ورزشکاران و تکرار مشکلات همیشگی و برطرف نکردن معضلات پیش روی قهرمانان بوده است. دوچرخه‌سواران که چند سالی است بر فراز قله آسیا تکیه زده‌اند حتی از خط پایان عبور نمی‌کنند. سرمربی سابق تیم ملی نگواندو با آن همه شایستگی، عنوان سرمربی تیم ملی آذربایجان را یدک می‌کشد و در همین راستا بالاترین نشان کشور همسایه را دریافت می‌کند! در ضیافت تقدیر از قهرمانان المپیکی در کاخ ریاست جمهوری، مهمان‌دوست اشک ریخت آن‌هم اشکی که به گفته خود او به دلیل بی‌مهری مسئولین ایران بوده است. امید است در المپیک آینده شاهد حضور باتوان بیشتری بر روی سکوی المپیک باشیم و بعد از اتمام این مسابقات حساس شاهد اشک‌هایی از نوع خوشحالی باشیم و فرهنگ قبول شکست در رویدادهای ورزشی جایگزین اتهام به تمام عوامل مسابقات شود.

با نگاهی کوتاه به مصاحبه‌های بسیاری از ورزشکاران ایرانی بعد از شکست و ناکامی به این نکته پی می‌بریم که آن‌ها دلیل عدم موفقیت خود را در ناداوری و حق خوری می‌دانستند، جزء والیبالیست‌ها که تمامی آن‌ها به این نکته اشاره کردند که تمام قدرت ما همین بود و با تمام وجود در زمین حاضر شدیم.

روتررو

مصطفی هاشمی طبا در گفت‌وگو با آیت ماندگار:

عملکرد کاروان ایران در المپیک قابل‌قبول بود

سید مصطفی هاشمی طبا یکی از افراد نام‌آشنا در حوزه سیاست و ورزش است. او هشت سال سابقه ریاست سازمان تربیت‌بدنی و هشت سال ریاست کمیته ملی المپیک را در کارنامه خود دارد. پس از پایان مسابقات المپیک ریو فرصت را مغتنم شمردیم و در همین راستا به گفت‌وگو با این مرد پرسابقه ورزشی پرداختیم.

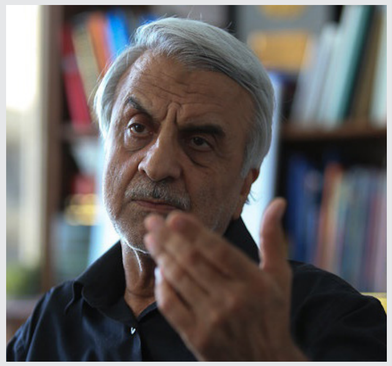

عملکرد کاروان ایران را در مسابقات المپیک ریو چطور ارزیابی می‌کنید؟

بعضی فدراسیون‌ها موفق و برخی ناموفق ظاهر شدند. به‌طور مثال شمشیربازی، تیراندازی، وزنه‌برداری و تا حدی کشتی موفق عمل کردند و از طرف دیگر بوکس که تنها توانست یک نماینده را روانه مسابقات کند و همین‌طور تکواندو و دوومیدانی را می‌توان به‌عنوان فدراسیون‌های ناموفق نام برد. به‌طورکلی نظر من بر این است که کاروان ایران بر اساس داشته‌های خود خوب و قابل‌قبول عمل کرد.

با اینکه مدال‌های خوش‌رنگی به ارمغان آمد ولی برخی عملکرد کاروان اعزامی را مورد انتقاد قرار می‌دهند. نظر شما در این رابطه چیست؟

ریشه این انتقادات در نتیجه نگرفتن برخی نخبگان ما در این مسابقات داشت. وقتی موفقیت نخبگان ورزشی ما تداوم نداشته باشد انتقادات شروع می‌شود. جز المپیک لندن که آن‌هم سه مدال طلا در کشتی فرنگی به دست آمد در دیگر المپیک‌ها عملکرد خاص و متفاوتی نداشتیم و این نتایج به نسبت خوب بود. هرچند ما اگر ایده آل جلو می‌رفتیم تا شش مدال طلا را هم می‌توانستیم بگیریم ولی باید قبول کنیم که ظرفیت ورزش ما همین است. در مورد انتقاد برخی افراد از نتایج تکواندو و کشتی فرنگی باید بگویم که من هم توقع نتایجی بهتر از این را داشتم. شاید اگر بهداد سلیمی یا حمید سوریان یک مدال طلا برای کاروان کسب می‌کردند بسیاری از این انتقادات جمع می‌شد و عملکرد برخی رشته‌ها پشت سیاست‌های وزارت ورزش و جوانان تبعیت کرده است.

ورزش ازنظر بودجه‌ای که به آن تزریق می‌شود وضع خوبی ندارد و همه می‌دانیم که کشور از وضعیت مالی مناسبی برخوردار نیست ولی خیلی هم قبول ندارم که پاداش و یا قول پاداش می‌توانست روند کاروان را به‌طور ویژه تغییر دهد.

به نظر شما وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک آن‌طور که بایدوشاید از کلیه رشته‌ها و مخصوصاً رشته‌هایی که شانس مدال داشتند حمایت کرد؟

وقتی رییس‌جمهور می‌گوید من همه شما را حمایت می‌کنم دیگر جای شک و شبهه باقی نمی‌ماند. ورزش از نظر بودجه‌ای که به آن تزریق می‌شود وضع خوبی ندارد و همه می‌دانیم که کشور از وضعیت مالی مناسبی برخوردار نیست ولی خیلی هم قبول ندارم که پاداش و یا قول پاداش می‌توانست روند کاروان را به‌طور ویژه تغییر دهد. مثلا در تکواندو که نتیجه نگرفتیم موضوعاتی گریبان فدراسیون را گرفت که خیلی به مسائل مالی ربط نداشت.

برخی معتقدند وزیر ورزش و جوانان و رییس کمیته ملی المپیک باهم سازگار نبودند. شما این موضوع را تأیید می‌فرمایید؟

من زاویه‌ای را بین وزیر و آقای کیومرث هاشمی ندیدم و معتقدم آقای هاشمی از اینکه این استقلال باعث بهتر نتیجه گرفتن این دو کمیته می‌شود باید گفت خیلی معلوم نیست اثر خود را روی نتایج بگذارد.

عملکرد وزیر ورزش و جوانان و رییس کمیته ملی المپیک را چطور ارزیابی می‌کنید؟

رییس کمیته ملی المپیک تقریباً به وظایف خود عمل کرده ولی وزیر ورزش و جوانان خیلی به وظایف خود نپرداخته است.

تانگر

سعید آتم
پیشکسوت بسکتبال

طرح جامع ورزش در محاق

وقتی ورزش کشور را با شرایطی که در ۴۰ سال گذشته داشته مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم که قهرمانان ما در ورزش‌های انفرادی بهتر از امروز بودند. یک مطالعه تطبیقی بین ایران و دیگر کشورهای هم‌سطح ما نشان می‌دهد که نه‌تنها پیشرفت نداشتیم که حتی پسرفت هم کرده‌ایم. وقتی در دهه‌های گذشته یک فرد غیر مرتبط، سکان مدیریت قسمتی از ورزش کشور را به دست می‌گرفت، بسیاری از این موضوع تعجب می‌کردند ولی امروز برعکس است و اگر کسی از بدنه ورزش، مدیریت حوزه‌ای از رشته‌های مختلف را به دست گیرد جای تعجب دارد. مدیران غیرورزشی ازآنجایی‌که به چم‌وخم کار آشنا نیستند، ساختارها را تغییر می‌دهند و ورزش کشور را در دست‌اندازها می‌اندازند. وقتی سازمان تربیت‌بدنی به وزارت ورزش و جوانان تبدیل شد انتظار جامعه ورزش بالا رفت و این اهالی تصور می‌کردند با این تغییر چارت از قدرت بیشتری برخوردار می‌شوند که متأسفانه امروز شاهد این قدرت و صلابت نیستیم. روزگاری در همین کشور عده زیادی از متخصصین ورزشی گرد هم آمدند و طرح جامع ورزش کشور را تدوین کردند ولی هیچ‌گاه این زحمت درآمدت به مرحله اجرا نرسید و همیشه در همان حد تئوری باقی ماند. البته هر طرحی پس از اجراشدن، نقاط ضعف و قوت خود را نشان می‌دهد ولی باید گفت کاش این طرح به مرحله اجرا می‌رسید زیرا تدوین‌کنندگان این طرح افرادی بودند که زندگی خود را در ورزش این مملکت خرج کرده بودند. با تغییر دولت و روی کار آمدن دکتر سجادی دریکی از بالاترین سطوح وزارتخانه، پیش‌بینی می‌شد این طرح که خود ایشان روزگاری از حامیان آن بود اجرا شود که متأسفانه این اتفاق نیافتاد. امروز متخصصین ورزشی ما در رأس کار نیستند. امروز وضعیت تغذیه ورزشکاران و امکانات سخت‌افزاری دریکی از بدترین شرایط خود قرار دارد و آمار و ارقام ناامیدکننده‌ای از میزان فضای ورزشی در جای‌جای کشور به گوش می‌رسد. در این سال‌ها اگر والیبال در آسیا و جهان افتخاراتی کسب کرد به خاطر مدیریت صحیح و با درایت افراد ورزشی مثل بزدانی خرم و داورزنی بود. کسانی که از دل ورزش کشور برخاستند و با مدیریت توأم با مشورت، الگویی شایسته را برای دیگر رشته‌ها بجا گذاشتند. در اکثر رشته‌های ورزشی با مشکل پراکندگی متخصصین مواجه هستیم. وقتی حرف از پیشنهاد می‌شود همه روی به انتقاد می‌آورند و با مخالفت با نظرات یکدیگر کار را صد درجه سخت و پیچیده‌تر می‌کنند. برای پیشرفت همه‌جانبه ورزش کشور نیازمند به تشکیل آکادمی تربیت‌بدنی و تربیت مربی در رشته‌ها و سطوح مختلف هستیم. ما در ورزش باید به دنبال خودکفایی باشیم و نمی‌توانیم مرتب از بخش خصوصی تقاضای کمک کنیم. باید امکان رشد و توسعه در زمینه داوری و مربی‌گری را هموار کنیم. باید این فرصت را در اختیار داوران و مربیان بگذاریم که اگر شایسته هستند به‌صورت جهشی و ضربتی راه پیشرفت را ادامه دهند. امروز باید فضایی را برای کسب تجربه ورزشکاران در عرصه‌های مختلف بین‌المللی ایجاد کنیم. هیچ‌وقت نباید از نتیجه نگرفتن و شکست در مقابل حریفان بترسیم. عدم اعزام تیم‌های ورزشی به دلیل شانس کافی نداشتن برای موفقیت، نگرشی صد در صد اشتباه است که امیدوارم با شجاعت روسای فدراسیون‌ها این تفکر از ورزش کشور پاک شود.

> مدیران غیرورزشی ازآنجایی‌که به چم‌وخم کار آشنا نیستند، ساختارها را تغییر می‌دهند و ورزش کشور را در دست‌اندازها می‌اندازند.

نگاه

ژاپن الگویی مناسب

حسن روشن
پیشکسوت فوتبال

درزمانی که ما فوتبال بازی می‌کردیم. کشورهایی که صاحب فوتبال حرفه‌ای و طراز اول در جهان نبودند این فرصت را داشتند که برای کسب مدال در المپیک با تمام توان و داشته‌های خود در مستطیل سبز ظاهر شوند، اما کشورهای صاحب فوتبال مجبور بودند با بازیکنان زیر ۲۳ سال خود در مسابقات مقابل حریفان صف‌آرایی کنند. به‌هرحال پس‌ازآن دوران قرار شد تمام کشورها تیم‌های زیر ۲۳ سال خود را روانه مسابقات کنند. متأسفانه تیم ملی امید ایران بیش از چهار دهه است که نتوانسته مسافر المپیک شود که این موضوع دو دلیل آشکار دارد. ۱- ما در فوتبال کشورمان از آکادمی‌های قوی و منظمی برخوردار نیستیم و برای همین همیشه فوتبال کشورمان با مشکلات ساختاری روبرو بوده است. ۲- فرصت کافی به سرمربیان تیم امید داده نمی‌شود. فرصت کافی یعنی ۲ سال به بالا. همیشه چند ماه به مسابقات انتخابی المپیک دورهم جمع می‌شویم و یک کار هیئتی و نامنظم را شروع می‌کنیم. از طرف دیگر شاهد آن هستیم که در خلال کار افراد باهم مشکل پیدا می‌کنند. به‌طور مثال در همین دوره، محمد خاکپور با فدراسیون فوتبال مشکل اساسی پیدا کرد و در بسیاری از مراسم تیم ملی فوتبال المپیک شرکت نمی‌کرد. چطور می‌شود با این نوع اختلافات و کاستی‌ها سهمیه المپیک را کسب کنیم؟ کاش فدراسیون فوتبال ما روند رو به رشد فدراسیون ژاپن را در پیش می‌گرفت. ژاپن در سال ۲۰۰۹ قهرمان جوانان آسیا شد و همان تیم در المپیک ۲۰۱۲ لندن موفق شد رتبه چهارم را به دست آورد. ما برای موفقیت نباید خود را درگیر شعار دادن بکنیم. امروز فساد تمام قسمت‌های فوتبال را گرفته و برای برون‌رفت از این وضعیت نابسامان نیازمند کار جهادی هستیم.

تلنگر

نتایج کاروان ایران در المپیک عالی بود

مسعود سلیمانی
رییس فدراسیون اسکواش

کاروان ایران با هشت مدالی که در المپیک ریو کسب کرد نشان داد از قدرت خوبی برخوردار است. در جلسه‌ای که مدیران ورزش کشور با وزیر ورزش و جوانان داشتند ایشان نقشه‌ای را ترسیم کرد که ما به نسبت جمعیت و یا هزینه‌ای که کردیم بعطور میانگین چهار مدال باید می‌گرفتیم اما حالا صاحب هشت مدال شدیاتیم. شخصاً معتقدم کاروان ایران فراتر از انتظارات کارکرد و ما در بسیاری از المپیک‌ها کم‌فروغ‌تر از این ظاهرشده بودیم. برای آنکه در آینده بتوانیم بهتر از این عمل کنیم باید به سمت استعدادیابی در سراسر کشور برویم. ما عادت کردیم که منتظر باشیم تا یک رضاازده، بهداد سلیمی، هادی ساعی و یا هر نخبه دیگری وارد ورزش شود و برای کشور افتخارآفرینی کند. باید توجه داشت که ظهور و بروز نخبگان در ورزش همیشگی و مداوم نیست و ما باید برای تصاحب مدال کار اساسی و پایه‌ای کنیم. باید مدلی برای استعدادیابی و پرورش استعدادها از سوی وزارت ورزش و جوانان به فدراسیون‌ها ارائه شود تا آن‌ها بر روی همان مدل برنامه‌ریزی کنند و پس از مدتی ببینند و بگویند چه کردند. وزارتخانه به لحاظ مالی باید دست فدراسیون‌ها را بگیرد. هرچند که به لحاظ اقتصادی اوضاع تمام وزارتخانه‌ها خوب نیست ولی تزریق پول آن‌هم در ۴۵ روز مانده به اعزام کاروان، خیلی کارساز نبود. نباید اوضاع ورزش طوری باشد که فدراسیون شنا بگوید ما استخر نداریم. الان بسیاری از امکانات فدراسیون اسکواش به‌صورت اجاره‌ای در اختیار ما است. دیگر به ورزشکاران نمی‌شود گفت بروید و باغیرت موفق شوید. اوضاع نقدینگی فدراسیون‌ها به‌قدری نامناسب است که حتی در دادن حقوق کارمندان مشکل‌دارند. اکثر فدراسیون‌ها نمی‌توانند برای خود اسپانسر پیدا کنند. بسیاری از رشته‌های ورزشی پخش تلویزیونی ندارند و برای همین مظلوم مانده‌اند. وقتی پول و امکانات در حد مناسب وجود ندارد، برنامه‌ریزی هم نمی‌تواند کرد. اینکه بسیاری از ورزشکاران نامدار ما نمی‌توانند موفقیتی کسب کنند برای آن است که تا روزهای آخر برای کسب سهمیه المپیک می‌جنگیدند، در حالی که بدن آن‌ها نیاز به آماده‌سازی برای مسابقات را داشت. با تمام این مشکلات، برخی مربیان ما عادت به قهر پیدا کردند و برخی اعتمادبه‌نفس بالا دارند. شاید یکی از دلایل آنکه نتوانستیم در المپیک ریو بهتر از این ظاهر شویم همین روش بعضی مربیان بود.

کنکاش

بابک شیبانی
روزنامه‌نگار

آسیب‌شناسی شوراهای محلی در ایران

کارآفرینی، امنیت و سلامت مقدم بر سیاست مهم‌ترین نیازهای توسعه در یک جامعه شهری هستند. این در حالی است که امروزه حضور سیاست‌مداران و رفتارهای سودجویانه حزبی سایه سنگینی بر شوراهای شهر انداخته و آن‌ها را تبدیل به کانون منازعات سیاسی نموده است؛ درحالی‌که اصولاً نمی‌بایست در مبانی توسعه شهرها که مبتنی بر حقوق شهروندی است، اختلافات عمیقی میان جناح‌های سیاسی وجود داشته باشد. تأسف‌بارتر آن‌که دست بالای سیاسیون موجود شده است تا نخبگان فرهنگی، ورزشی، اقتصادی و دانشگاهی چه در جریان انتخابات و چه پس از تشکیل شوراها، بر مبنای برخی منافع شخصی به سمت جناح‌بندی‌های رایج سوق پیدا کنند و به‌جای تلطیف و درمان فضای موجود، به تشدید بیماری مزمن آن دامن زنند. «عدم کارایی درست نهادهای بالادستی و پایین‌دستی» مشکل دیگر شوراهای شهر است. در طول دو دهه اخیر و به گواه تجربیات موجود، کارایی این نهادها برای جامعه آن‌قدرها ملموس نبوده و این خود موجب اتلاف تلاش‌های صورت گرفته برای تشکیل و ادامه کار آن‌ها گردیده است. قانون‌گذار شوراهای پایین‌دستی (محلات) و همچنین شوراهای بالادستی (شهرستان، استان و کشور) را با نگاهی مشارکت جویانه و به‌منظور تثبیت جریان سیال گردش نخبگان، انتقال خواسته‌های طبقه متوسط و کاهش تصدی‌گری دولت مرکزی پیش‌بینی نموده است. لیکن با گسستی که از ابتدای کار وجود داشته، هیچ‌گاه چنین چرخه پویایی در سطح جامعه تشکیل نشده است و شوراها در چارچوب محدود شهرها محبوس شده‌اند. این در حالی است که در مسیر تکمیل یک چرخه موفق، فعالیت شوراهای پایین‌دستی (به‌خصوص در کلان‌شهرها) پیش‌نیاز ارتباط قوی شهروندان با نمایندگانشان می‌باشد و این روند است که در سلسله‌مراتب شوراها، می‌تواند مطالبات عمومی را تا سطح ارائه طرح‌ها و لوایح قانونی به مجلس شورای اسلامی و دولت مطرح و اراده جمعی را تبدیل به قانون نماید. «فقدان نظارت کافی» قسمت بعدی گرفتاری شوراهاست.

> **«فقدان نظارت کافی» قسمت بعدی گرفتاری شوراهاست. این مقوله در دو بخش نظارت شورا و نظارت بر شورا تعریف می‌گردد. در سال‌های اخیر، شوراها به دلایل مختلف نتوانسته و یا نخواسته‌اند از ابزارهای نظارتی خود برای ادای وظیفه وکالت به نحو احسن بهره‌جویند.**

این مقوله در دو بخش نظارت شورا و نظارت بر شورا تعریف می‌گردد. در سال‌های اخیر، شوراها به دلایل مختلف نتوانسته و یا نخواسته‌اند از ابزارهای نظارتی خود برای ادای وظیفه وکالت به نحو احسن بهره‌جویند. ضعف نظارتی شوراها که بخشی از آن ناشی از ناکارآمدی قوانین و بخشی نیز تحت تأثیر سیاست زدگی، فقدان آموزش و تعهد و اولویت یافتن منافع حزبی یا شخصی بر منافع شهری است، خواه‌ناخواه باعث کاهش اعتماد اجرایی و ابزارهای قانونی، عملاً دستوبال شوراها را برای برنامه‌ریزی و هدایت یک پروسه جامع مدیریت شهری بسته است و به نظر می‌رسد نقش واقعی شوراها در تحقق توسعه درورزا تا زمان بازنگری در برخی قوانین موجود تغییر محسوسی یابد. بی‌تردید اعتماد به مردم و واگذاری بخشی از اختیارات حاکمیت به شوراهای شهر، ضمن کاستن از تصدی‌گری دولت و کمک به چالاکی آن، نقش مؤثری در توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به‌جا خواهد گذاشت. شوراها در صورت اصلاح اساسی ساختار و نگاه موجود، می‌توانند به‌جای اختیار اداره شهرداری، مسئولیت اداره کل شهر را بر عهده گیرند. انتقال وظیفه نظارت و راهبری در بخش‌های دیگری چون فرمانداری‌ها، شورای حل اختلاف، هیئت‌های منصفه، راهنمایی و رانندگی، کلانتری‌ها، تشاحول، کتابخانه‌ها، مکان‌های فرهنگی، ادارات ارائه خدمات عمومی و... به شوراها به پررنگ‌تر شدن نقش مردم در اداره امور خویش و طبعاً نهادینه شدن مشارکت‌جویی اجتماعی شهروندان در مدیریت شهری کمک شایانی خواهد نمود.

«برخی نواقص قانونی» نیز از مهم‌ترین معضلاتی است که شوراها با آن دست‌به‌گریبان‌اند. ابهامات، ضعف‌ها و ابراداتی در قانون فعلی مصوب وجود دارد که بازگشت سال‌ها از اجرایی شدن آن و تشکیل چهار دوره از شوراها، بیش‌ازپیش نمایان گشته است و به نظر می‌رسد قوانین شوراهای شهر، امروزه نیاز به یک بازنگری اساسی از سوی مجلس شورای اسلامی دارد. ابهام در خصوص نحوه انتخاب شهردار و تعداد دوره‌های تصدی شهردار، ضعف ساختارهای نظارتی شوراها، نحوه انحلال و حق دخالت نهادهای بالادستی، تعاملات شوراهای محلی با نهادهای قانونی دیگر، تفاوت میزان اکثریت لازم برای انتخاب شهردار و اکثریت لازم برای استیضاح وی، دو شغله بودن اعضاء، عدم تضمین حقوق اقلیت و... لیست بلندبالایی از نارسایی‌های قوانین شوراهاست که مسلماً اصلاح آن‌ها به کارآمدی بیش‌تر و تقویت نهاد شوراها به‌عنوان سازمان‌های مردم‌نهاد پویا، توسعه محور، شفاف و مرجع منجر خواهد شد. خوشبختانه تجربه گذشته جامعه و صدها هزار نفر اعضای دوره‌های مختلف شورای محلی در این زمینه موجود است که می‌تواند در یک هم‌اندیشی ملی، به یک بازنگری بی‌نقص و اجماعی منجر گردد.

راهکار

موفقیت بوکس درگرو تغییر نسل

علی علیپورخشمند
دبیرفدراسیون بوکس

فدراسیون بوکس با تمام تلاش‌هایی که کرد تنها موفق شد که یک سهمیه را برای مسابقات المپیک ریو به دست آورد. پس‌ازآنکه احسان روزبهانی در بهمن ۹۳ سهمیه را گرفت فدراسیون نمام‌قدر پشت او ایستاد و تا جایی که امکان داشت برای روزبهانی هزینه کرد. انتظار می‌رفت حداقل در اولین دیدار، حریف هلندی خود را شکست دهد که این‌طور نشد و در همان مرحله نخست از گردونه مسابقات حذف شد؛ اما درباره علل ناکامی بوکسورهای کشورمان در عرصه‌های مختلف بین‌المللی باید گفت که ما از وضعیت خوب مالی برخوردار نبودیم و نتوانستیم اردوهای خوبی را برای ورزشکارانمان ترتیب دهیم. یک اردو چندروزه در کشور اوکراین برگزار کردیم که خیلی کارایی برای تیم و کادر فنی نداشت زیرا هم بوکسورها و هم کادر فنی تغییر کردند. فدراسیون بسیاری از موجودی خود را خرج موفقیت روزبهانی کرد که همین امر باعث شد نتوانیم آن‌طور که بایدوشاید بر روی زیرساخت‌های بوکس کارکنیم. سال گذشته فستیوال بوکس نونهالان را برگزار کردیم و معتقدیم این روند باید ادامه داشته باشد. ما چاره‌ای نداریم جز آنکه به‌طور ویژه بر روی بوکس نوجوانان و جوانان خود کار کنیم. هم‌اکنون در حال برنامه‌ریزی برای برپایی اردوهای خوب و مفید داخلی و بین‌المللی برای نوجوانان و جوانان خود هستیم. مجموعه فدراسیون بوکس تصمیم گرفته که کار را از پایه محکم و قدرتمند شروع کند تا در آینده‌ای نه‌چندان دور شاهد نسل جدیدی از بوکسورها در تیم ملی بزرگسالان باشیم. وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک در حد بضاعت خود به ما کمک کردند اما توقع داریم حالا که قرار است نسل جدیدی را بر روی رینگ بیاوریم آن‌ها هم ما را زیر چتر حمایتی خود ببرند تا این هدف زودتر محقق شود.

چشم انداز

«چرا»هایی در مورد عملکرد ورزش ایران در المپیک

نقص بزرگ پابرجاست!

زینب حاجی حسینی: المپیک سی و یکم که از خیلی وقت پیش حرف اول و آخر مسئولان ورزش در تمام نشست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها بود چند هفته‌ای است که تمام‌شده و حالا تنها چیزی که از این دوره بازی‌ها برای ورزش ایران به‌جامانده، اول کارنامه کاری تک‌تک ورزشکاران اعزامی است که درمجموع عملکرد کاروان ایران را شکل دادند و دوم درس یا درس‌هایی که خواندن و نخواندن آن‌ها و به‌نوعی توجه داشتن یا بی‌توجهی دوباره به آن‌ها، مسیر ورزش ایران برای چهار سال آینده و المپیک آتی را تعیین خواهد کرد. نقص بزرگی که سال‌هاست ورزش ایران با آن دست‌به‌گریبان است و ضربات و لطمات جبران‌ناپذیری هم از آن خورده نداشتن «کرسی‌های بین‌المللی» است که هنوز هم پابرجاست و در المپیک ریو هم خودش را نشان داد.

به این «چرا»ها پاسخ دهید؟

کاروان ورزش ایران در المپیک سی و یکم با هشت مدال طلا، نقره و برنز صاحب جایگاه بیست و پنجم در جدول توزیع مدال‌ها شد؛ به لحاظ چگونگی عملکرد، این کاروان بعد از کاروان اعزامی به المپیک لندن موفق‌ترین کاروان ورزش ایران در طول تاریخ برگزاری بازی‌های المپیک بود اما حتی این موضوع هم نباید باعث نادیده گرفتن انتظاراتی شود که خیلی از ورزشکارانمان نتوانستند در میادین مختلف ریو آن را برآورده کنند و حالا آن‌ها باید در کنار مسئولانشان پاسخگو این باشند که چرا تا این حد کوچک بودن در میدانی به بزرگی المپیک؟ چرا عملکردی آن‌چنان ضعیف داشتند که باعث ثبت شکست‌های تاریخی شد؟ چرا تکواندو و کشتی فرنگی باآن‌همه سروصدا و پول‌هایی که خرجشان شد خوب نتیجه نگرفتند و سهمشان را در رساندن کاروان به‌جایگاهی درخور توجه ادا نکردند؟ چرا حذف زودهنگام؟ چرا چندین پله سقوط؟ چرا درجا زدن؟ چرا حاشیه‌سازی؟ چرا توجیه، نبش قبر و پرده برداشتن از مشکلات داخلی در یک میدان بین‌المللی و چرا و چراهای دیگر... .

آنچه مسلم است و واقعیتی که نباید کتمان شود اینکه کاروان ورزش ایران باوجود پتانسیل‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی که برای آن‌ها شد در ریو نتایج قابل قبولی نگرفت؛ به‌هرحال بنا بر اعلام معاون مالی وزارت ورزش تمام فدراسیون‌های المپیکی صد در صد بودجه المپیکی خود را پیش از اعزام به ریو دریافت کرده بودند ضمن اینکه گزارش‌های مالی کمیته ملی المپیک هم حکایت از شارژ مالی خوب فدراسیون‌ها داشت؛ با این اوصاف باید مسئولان در مورد چگونگی عملکرد کاروان ایران در تمام رشته‌ها پاسخگو باشند؛ همه مسئولان چه در کمیته ملی المپیک که متولی بازی‌های المپیک به‌حساب می‌آید، چه در وزارت ورزش و ورزش کشور محسوب می‌شوند و چه در فدراسیون‌ها که بعضاً ادعای مدال داشتند و با این ادعا به جیبی از انتظاها و کارشناسی‌ها هم بی‌توجه بودند.

لطفاً برای ناکامی‌ها نه دیوار بسازید نه توجیه بیاورید

البته اینکه در جریان برگزاری بازی‌های المپیک، بودند ورزشکارانی که تا پای مدال رفتند اما از دستیابی به آن بازماندند یا ورزشکارانی که نتیجه‌های تاریخی ثبت کردند مانند مجتبی عابدینی که تا نیمه‌نهایی مسابقات شمشیربازی پیش رفت اما با یک شکست مدال برنز را از دست داد یا حسن تفیتان که برای اولین بار در تاریخ دوومیدانی ایران به مرحله نیمه‌نهایی المپیک صعود کرد؛ این ورزشکاران با چگونگی عملکردشان پدیده‌ای در کاروان ایران شدند اما تأثیری بر جایگاه این کاروان که ملاک اصلی برای ارزیابی عملکرد است، نداشتند چون به هر دلیلی مدال نگرفتند پس نباید این دست ورزشکاران را با همه خوبی‌هایشان سرپوشی برای خیلی از ناکامی‌های دیگر قرارداد.

در ریو کیمیا علیزاده ۱۸ ساله یکی از چهار مدال برنز کاروان ایران و تنها مدال تیم پرستاره و پرامید و البته ناکام تکواندو را به نام خود ثبت کرد، این مدال ارزش بسیار زیادی دارد چون برای اولین بار در تاریخ المپیکی ورزش بانوان ایران به دست آمد و قطعاً باعث تغییر مثبت خیلی از رویکردها و تصمیم‌گیری‌ها در رابطه با ورزش بانوان خواهد شد و آن را در مسیری بهتر از قبل قرار خواهد داد اما این مدال و موفقیت تاریخی هم نباید باعث کنار زدن خیلی از ناکامی‌هایی شود که هر یک از آن‌ها به‌نوبه خود تاریخی بودند.

حسن یزدانی هم یکی از بهترین‌های کاروان ۶۳ نفره ایران در ریو بود که با رقابت نفس‌گیر خود مقابل انیار گودیف روس و به زمین زدن این حریف که دست به هر حربه‌ای زد تا نفس یزدانی را درآورد، به ۱۶ سال ناکامی کشتی آزاد در کسب مدال طلای المپیک پایان داد اما این طلسم شکنی یزدانی هم نمی‌تواند دیواری شود برای آنکه خیلی از شکست‌ها و انتظارات برآورده نشده را پشت آن قرارداد.

سهم ورزش ایران از صدها مدال توزیع‌شده در المپیک ریو تنها هشت مدال بود درحالی‌که این تعداد مدال می‌توانست توسط بهداد سلیمی به ۹ مدال برسد اما همه دیدند اعمال‌نفوذهایی که اجازه نداد سلیمی بعد از قهرمانی و رکوردشکنی درحرکت یک‌ضرب، به‌حق خود برای یکی از سه رنگ مدال المپیک برسد اما این هم توجیه و پاسخ قابل قبولی نیست برای این پرسش که چرا کارنامه کاروان ایران در ریو به آن حد که باید چشمگیر نشد؟

واقعیت این است، آن را کتمان نکنید

نتیجه گرفتن در المپیک به‌مراتب از چگونگی ورود به این آوردگاه مهم‌تر است چون درنهایت آنچه به‌جا می‌ماند و در تاریخ هم ثبت می‌شود کارنامه عملکرد است؛ این در حالی است که کاروان ایران باوجود موفقیتی که در کسب سهمیه داشت نتوانست موفقیتی در چگونگی حضور المپیکی خود به دست بیاورد؛ درست است که تنها یک مدال طلا کمتر از المپیک پیشین گرفتیم اما به خاطر همین اختلاف حداقلی، در جدول توزیع مدال‌ها متحمل هشت پله سقوط شدیم، درست است که در وزنه‌برداری و کشتی آزاد نتایج خوبی گرفتیم اما همان‌طور که نصرا... سجادی، معاون وزیر ورزش هم به آن تأکید کرد در المپیک ریو هیچ حماسه‌ای شاهد نبودیم و ورزشکاران این دو رشته تنها جور ناکامی‌های دیگر رشته‌ها و به‌خصوص کشتی فرنگی و تکواندو را کشیدند. از سی و یکمین دوره المپیک هشت مدال در سبد ورزش ایران قرار گرفت درحالی‌که بارها از سوی کیومرث هاشمی رییس کمیته ملی المپیک عنوان‌شده بود که پتانسیل مدال‌آوری کاروان ایران در ریو بالاست، البته کمیته ملی المپیک پیش از المپیک هیچ‌گاه پیش‌بینی دقیقی از وضعیت مدال‌آوری ایران در این رویداد نداشت اما پس از اتمام کار ورزشکاران ایران در ریو کیومرث هاشمی در جمع خبرنگاران اعزامی به این بازی‌ها اعلام کرد که پیش‌بینی کمیته کسب ۱۲ مدال بود؛ این پیش‌بینی با آنچه درنهایت حاصل شد به‌اندازه چهار مدال فاصله دارد و این خود تأکیدی است برای خوب نتیجه نگرفتن کاروان بزرگ ایران.

شاگرد خوبی برای کلاس المپیک باشیم

بله؛ کاروان ورزش ایران در المپیک ریو می‌توانست خیلی خوب و شاید هم بهتر از المپیک لندن نتیجه بگیرد «اگر» معادلات

> **آنچه مسلم است و واقعیتی که نباید کتمان شود اینکه کاروان ورزش ایران باوجود پتانسیل‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی که برای آن‌ها شد در ریو نتایج قابل قبولی نگرفت؛ به‌هرحال بنا بر اعلام معاون مالی وزارت ورزش تمام فدراسیون‌های المپیکی صد در صد بودجه المپیکی خود را پیش از اعزام به ریو دریافت کرده بودند ضمن اینکه گزارش‌های مالی کمیته ملی المپیک هم حکایت از شارژ مالی خوب فدراسیون‌ها داشت؛ با این اوصاف باید مسئولان در مورد چگونگی عملکرد کاروان ایران در تمام رشته‌ها پاسخگو باشند؛ همه مسئولان چه در کمیته ملی المپیک که**

کند و کاو

میناقدرتی
فعال رسانه‌ای

مهارت‌آموزی، نیاز نظام آموزشی کشور

> **در جهان امروز، رابطه آموزش‌وپرورش با جامعه و در جهت پاسخگویی به نیازهای متنوع و پیچیده آن، اهمیتی مضاعف و روزافزون یافته است.**

امروز را برای زندگی در جامعه فردا آماده سازد؛ بنابراین ضرورت دارد برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران آموزشی، معلمان و مسئولان آموزش‌وپرورش، الزامات و مقتضیات زندگی فردا را بشناسند تا بتوانند دانش و بینش لازم را در کودکان و جوانان برای فعالیت در جامعه فردا را پرورش دهند. در راستای این سیاست، شناسایی ویژگی‌های آموزش‌وپرورش کارا و اثربخش از اهمیت خاصی برخوردار است. کشور ژاپن را در نظر بگیرید، مهم‌ترین ویژگی مردم ژاپن سخت‌کوشی، قناعت، نظم و روحیه همکاری و مشارکت آن‌هاست. ساعت حضور دانش‌آموزان در مدارس ۴۴ ساعت در هفته است و از ساعت ۸ صبح تا ۴ عصر به‌صورت پیوسته ادامه دارد. دانش‌آموزان ابتدایی ۲۲ ساعت و متوسطه ۱۶ ساعت را در کلاس درس سپری می‌کنند و بقیه ساعات با برنامه‌هایی مانند فعالیت‌های گروهی، جشن‌ها و ناهار و استراحت سپری می‌شود. (دانش‌آموزان مدارس ابتدایی ایران ۲۴ ساعت و در مقاطع راهنمایی و متوسطه ۳۳ یا ۳۶ ساعت به مدرسه می‌روند که تقریباً تمام این ساعات در کلاس سپری می‌شود) هرسال تحصیلی ۲۴۰ روز است. (سال تحصیلی در ایران کمتر از ۱۸۰ روز است) در مدارس ابتدایی ژاپن به ایجاد محیطی شاداب، جذاب، دوستانه و بانشاط، بیشتر از آموختن مسائل علمی تأکید شده است. معلمان عقیده دارند دانش‌آموزان این مقطع برای یادگیری علم به مدرسه نمی‌آیند، بلکه هدف از مدرسه دیدار دوستان است. در مدارس ابتدایی به بازی، کاردستی، موسیقی و خانه‌داری (آشپزی و خیاطی و نظافت) توجه بسیار می‌شود. این گونه برنامه‌ها یک‌سوم اوقات دانش‌آموزان را به خود اختصاص می‌دهد. دانش‌آموزان مدارس ژاپن از همان کلاس اول ابتدایی در برنامه‌ای با عنوان به‌سوی کار، به یادگیری و انجام حرفه‌هایی مانند زراعت و صنعت می‌پردازند. در مطالعات «تیمز» که درباره پیشرفت تحصیلی بیش از ۴۰ کشور جهان و در درس‌های ریاضی و علوم تجربی انجام‌گرفته است، ژاپن در این دو درس در تمام مقاطع سنی بین سه کشور اول بوده و ایران به همراهی کلمبیا و آفریقای جنوبی در انتهای جدول قرار دارند. همچنین «پروفسور وزرا وگل» (Vezra vogel) استاد دانشگاه هاروارد در تحقیقات خود به این نتیجه دست‌یافت که دانش‌آموزان ژاپنی که دوره ابتدایی را در کشور آمریکا گذرانده‌اند هنگام بازگشت به کشور خود از همسالان خود در درس‌های ریاضی و علوم عقب‌ترند. در مدارس ژاپن، به دانش‌آموز نمره داده نمی‌شود و هیچ دانش‌آموزی مردود نخواهد شد. نمره، ابزاری برای کنترل نیست و مربی واقعاً پرورش‌دهنده است. در آنجا کار گروهی مبنای آموزش است. کلوپ‌ها و گروه‌های مختلف در مدارس فعال هستند و دانش‌آموز در گروه‌های مختلف عضو می‌شود و انجام کار جمعی را می‌آموزد. آموزش مسئولیت‌پذیری با دادن مسئولیت‌های کوچک به کودکان مثل پرورش یک گل و وادار کردن او جهت پاسخ‌گویی نسبت به این مسئولیت یکی دیگر از نحوه‌های آموزش در ژاپن است. هزینه آموزش در تمام مدارس روستاها و شهرهای این کشور یکسان است. در مدارس ژاپن، سرایدار وجود ندارد و وظیفه تمیز نگه‌داشتن مدارس حتی سرویس‌های بهداشتی به‌صورت گروهی به دانش‌آموزان سپرده می‌شود. در مدارس ژاپن، گروه‌های ویژه‌ای مثل شاگردان‌اول، بااستعدادها، پیشتازان و فرزانگان وجود ندارد. همه می‌توانند در اردوها و برنامه‌های مختلف شرکت کنند؛ اما در ایران شرایط کاملاً فرق دارد. در نظام تربیتی ایران نمره ملاک اصلی است. هیچ دو مدرسه‌ای مثل هم نیستند. تفاوت مدارس شهر و روستا، از زمین تا آسمان است. کافی است دانش‌آموزی نمرات خوبی داشته باشد تا به‌عنوان گل سرسبد مدرسه انتخاب شود، یک دانش‌آموز به دلیل کسب نمرات خوب، حق شرکت در تمام اردوها را دارد و فلان دانش‌آموز دیگر در طول تمام دوران تحصیل حتی یک‌اردو هم نتوانسته برود. تشکیل گروه‌هایی مثل فرزانگان و پیشتازان و استفاده خاص افراد این گروه‌ها از امکانات آموزش‌وپرورش که متأسفانه افراد این گروه‌ها معمولاً همان شاگردان‌اول‌ها، مدارس هستند. در ایران تعدادی از دانش‌آموزان به دلیل وضعیت مالی خوب و رفتن به مدارس خاص، آینده تضمین‌شده‌ای دارند و بسیاری از دانش‌آموزان پراستعداد به دلیل وضعیت مالی نامطلوب امکان رشد ندارند. سیستم آموزشی اغلب مدارس، به‌ویژه مدارس غیرانتفاعی، در تمام سال‌های تحصیل، این گزاره را به ذهن کودکان تزریق می‌کند که تحصیل در مدارس تیزهوشان، موهبت بزرگی است که باید بدان نائل آیند؛ اما آیا مدارس تیزهوشان برای همه این دانش‌آموزان موفق، جا دارد؟ پاسخ منفی است و ناگزیر آزمون ورودی می‌گیرند و کودکان را درگیر «سترس کنکوری» می‌کنند. نتیجه نیز کاملاً مشخص است. از بین آن‌همه دانش‌آموزی که نظام آموزشی، ذهنشان را آکنده از آرزوی تیزهوشان کرده است، تنها تعداد کمی پذیرفته می‌شوند و بقیه، «شکست می‌خورند»؟ هرچند نظام آموزش‌وپرورش نیاز به تحولات بنیادین دارد ولی عجالتاً می‌توان دو پیشنهاد را مطرح کرد. حذف مدارس تیزهوشان که وجودشان اساساً فایده‌ای ندارند و بیرون راندن موسساتی که با آزمون‌هایشان، مدارس را تبدیل به دکان‌های خودکردهاند و با کودکی بچه‌های مردم، تجارت می‌کنند! آموزش‌وپرورش یکی از نهادهای اصلی جامعه است که تعلیم و تربیت و ساختن انسان مطلوب و مؤثر را در جامعه بر عهده دارد. برای پرورش افراد مطلوب، نیاز به یک نظام آموزشی کارآمد است که اجزا و عناصر آن اعم از مواد درسی، دانش‌آموز، معلم، وسایل آموزشی، فضا و... با یکدیگر در ارتباط‌اند تا اهداف مورد نظر تحقق یابد. از طرف دیگر، تدریس و آموزش ازنظر ماهیت و نظام ارتباطی متقابل است و در مدرسه به‌سان گروه پویایی، درصدد آماده کردن افراد برای ورود به جامعه در سطح بسیار گسترده‌تری است. کلاس درس نیز به‌عنوان یک گروه اجتماعی و کوچک‌ترین خرده سیستم اجتماعی در نظام آموزشی دارای خصوصیات و ویژگی‌های منحصربه‌فردی است که آن را از سایر سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی متمایز می‌کند. باید در نظام آموزشی مهارت‌آموزی مورد توجه و تأکید قرار گیرد و دانش‌آموزان از دوران کودکی علاوه بر ذهن، دست‌هایشان با مهارت‌های عملی و تئوری آشنا شود. تا زمانی که سیستم آموزش‌وپرورش و نیز آموزش عالی مبتنی بر کتاب‌های درسی و محفوظات و امتحانات باشد و کار چندانی با آنچه در جامعه می‌گذرد نداشته باشد، به موسسه‌ای می‌ماند که در عصر تلفن و رایانه و اینترنت، همچنان درگیر پروری کبوتران نامه‌رسان است و اتفاقاً خیلی هم جدی و سخت گیرانه این کار را می‌کند.

> **آنچه مسلم است و واقعیتی که نباید کتمان شود اینکه کاروان ورزش ایران باوجود پتانسیل‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی که برای آن‌ها شد در ریو نتایج قابل قبولی نگرفت؛ به‌هرحال بنا بر اعلام معاون مالی وزارت ورزش تمام فدراسیون‌های المپیکی صد در صد بودجه المپیکی خود را پیش از اعزام به ریو دریافت کرده بودند ضمن اینکه گزارش‌های مالی کمیته ملی المپیک هم حکایت از شارژ مالی خوب فدراسیون‌ها داشت؛ با این اوصاف باید مسئولان در مورد چگونگی عملکرد کاروان ایران در تمام رشته‌ها پاسخگو باشند؛ همه مسئولان چه در کمیته ملی المپیک که**

مدال‌آوری در کشتی و تکواندو درست حل می‌شد، «اگر» در دسته فوق سنگین مسابقات وزنه‌برداری و شاید برخی از اوزان کشتی با نادواری و بدتر از آن اعمال‌نفوذها برای تغییر رأی مواجه نمی‌شدیم و حتی «اگر» در رشته‌ای مانند شمشیربازی بدشانسی نمی‌آوردیم و به خاطر یکی دو ضربه مدال از دستمان نمی‌رفت.

این روزها به این «اگر»ها خیلی تأکید می‌شود. اما آیا به این موضوع هم توجه می‌شود که «اگر» مثلاً ورزشکاری مانند حسن یزدانی در آن فینال استثنایی کم می‌آورد و وقتی از حریف مدعی جدا با چند اختلاف امتیاز عقب بود، به‌راحتی تسلیم می‌شد کاروان ایران هم یک مدال طلا را ازدست‌داده بود و هم در جایگاهی پایین‌تر از بیست و پنجمی قرار می‌گرفت چون این کیفیت رنگ مدال‌هاست که تعیین‌کننده جایگاه‌ها می‌شود.

در کل این‌که این «اگر»ها و «اما»های بعدازآن در همان لحظه‌ها و ثانیه‌هایی تعیین‌کننده شدند که باید برای آن‌ها برنامه‌ریزی می‌شد، یکی مانند حسن یزدانی برای این لحظه‌های تعیین‌کننده برنامه داشت و آن‌هایی که در همین لحظه‌ها به زمین خوردند احیاناً بدون برنامه بودند چون در المپیک هیچ موفقیتی، تصادفی کسب نمی‌شود؛ این المپیک یک‌بار دیگر ثابت کرد که لحظه‌ها و ثانیه‌ها در دستیابی به اهداف المپیکی تعیین‌کننده هستند و اگر برایشان درست و دقیق برنامه‌ریزی‌شده باشد می‌توان از آن‌ها نتیجه گرفت، کاری که به نظر می‌رسد خیلی از ایرانی‌ها -مسئول و ورزشکار- آن را نادیده گرفتند.

درس و شاید هم یادآوری دیگری که المپیک ریو برای ورزش ایران داشت، تأثیر کرسی‌های المپیکی و تلاش برای کسب آن‌ها بود؛ اگرچه اعتقاد نصرا... سجادی بر این است که «آنجا که لازم باشد تصمیم‌گیری‌ها جایی غیر از هیئت‌رییسه فدراسیون‌های جهانی اتخاذ می‌شود. اینکه ایران در کرسی‌های بین‌المللی نماینده داشته باشد قطعاً خوب است اما نمی‌تواند از خیلی از تصمیم‌گیری‌ها جلوگیری کنند»، اما آنچه مسلم است که کسب کرسی بین‌المللی اولین و مهم‌ترین گام برای جلوگیری از خیلی از تصمیم‌گیری‌ها علیه ورزش ایران است و چه‌بسا داشتن همین کرسی‌ها، زمانی کمکی برای اعمال‌نفوذ در جهت گرفتن حق ورزش کشور شود.

و آخر اینکه

سی و یکمین دوره بازی‌های المپیک با همه اماواگرها و کش‌وقس‌هایی که برای ورزش ایران داشت، تمام شد؛ حال ورزش ایران مانده و مسیر چهارساله جدید برای حضور در المپیک ۲۰۲۰؛ حرکتی که امروز ورزش ایران، مسئولانش و ورزشکارانش خواهند داشت تعیین‌کننده نتایج المپیک آتی است. این حرکت باید از ارزیابی دقیق و نه کلیشه‌ای عملکرد کاروان ایران در ریو آغاز شود و تا برنامه‌ریزی برای لحظه‌به‌لحظه حضور در المپیک توکیو ادامه داشته باشد نه اینکه بررسی عملکرد در حد حرف و تشکیل کمیته ارزیابی و - بماند و اوج برنامه‌ریزی المپیکی هم به کسب سهمیه ختم شود و بعدازآن صرف شرکت در المپیک!

منبع: مهر

دریچه

آینده‌ای روشن در انتظار هندبال ایران

فریبرز می‌آبادی
دبیرکل فدراسیون هندبال

تیم ملی هندبال ایران برای حضور در المپیک ریو برزیل کار بسیار دشواری را در پیشرو داشت. به‌هرتقدیر تیم ملی ایران در دیدار فینال به قطر چندملیتی باخت و تنها سهمیه مستقیم آسیا نصیب این کشور عربی شد. ازاین‌رو برای دیدارهای پل‌اف راهی کشور سوئد شدیم و در آن کشور دو تیم اروپایی سوئد و اسلوانی توانستند جواز کسب حضور در مسابقات هندبال المپیک ریو را به دست آورند. هرچند تیم ملی هندبال کشورمان نتوانست به المپیک راه پیدا کند ولی باید گفت ما پیش از آن‌هم نتوانسته بودیم راهی المپیک شویم و تنها یکبار حضور در مسابقات جهانی را در کارنامه هندبال داریم. در این ۱۸ ماه اخیر مسیر هندبال یک مسیر درست و عقلانی بوده است. راهی که در این‌یک سال و نیم در پیش‌گرفته شده از اصول و استانداردهای لازم برخوردار است. تقریباً

اشاره

آموزش بدون مهارت، آفت این روزهای کشور

مرجان کاویی
فعال سیاسی

آموزش در کشور ایران قدمتی بس عظیم به درازای تاریخ آن دارد. از پانزده هزار سال پیش که البته از شرایط وضعیت آموزشی آن هیچ اطلاعی در دست نیست گرفته تا چهار هزار سال پیش که آریایی‌ها و ازجمله مادها به ایران آمدند و بر آموزش تأکید جدی داشتند تا امپراتوری کوروش و بعدها حکومت هخامنشیان و تسخیر ایران توسط اسکندر تا آموزش در دوران اسلامی در ایران و نیز تا همین اواخر در دوره قاجار که آموزش به روش نوین و کلاسیک با راه‌اندازی دارالفنون توسط امیرکبیر در ایران راه‌اندازی شد و در این حالت بسط و توسعه پیدا کرد ادامه داشت به‌طوری‌که حاکمان همواره با ایجاد مدرسه و دانشگاه و دانشکده و مراکز آموزشی متعدد انتفاعی و غیرانتفاعی و خصوصی و ... بر طبل آموزش و حرکت جامعه به سمت پویایی و تحرک کوبیدند و به لحاظ کمی و کیفی در ادوار مختلف بر اصل آموزش‌وپرورش تأکید داشتند. آنچه که دراین‌بین در مقاطع مختلف منبعث از نظریات و سیاست‌های دولت‌ها و حاکمان مختلف بود نگاه و سیاست آن‌ها در چگونگی آموزش مردم این دیار بوده به‌طوری‌که همواره وضعیت آموزشی در ایران در نمودار توسعه‌خواهی این کشور فراز و نشیب داشته و از ثبات و شیوه خاصی بهره‌مند نبوده است. آسیب‌شناسی وضعیت آموزشی و فنی حال کشور ما را در بررسی جنبه‌های مختلف آموزشی به نتایج خاصی می‌رساند. مهم‌ترین موضوع در آموزش در عصر آموزش به روش نوین، این مسئله است که در دنیای امروز به جهت کثرت و تعدد رسانه‌ها و تریبون‌ها و مراکز مختلف آموزشی باید آموزش را در دو سطح عام و خاص تعریف کرد. آموزش عام همان بهره‌مندی مردم جامعه از طریق ابزار موجود اطلاع‌رسانی و رسانه‌های مختلف مکتوب و دیداری و شنیداری و دیجیتالی و شبکه‌های اجتماعی که همواره هرچه جلوتر می‌رویم تأثیر خود را بر زندگی مردم بیش‌ازپیش نشان می‌دهد و عملاً به یک ابزار آموزشی ملموس و بعضاً غیرقابل‌کنترل تبدیل‌شده است. آنچه که دراین‌بین خودنمایی می‌کند میزان و تأثیرگذاری این روش‌های آموزشی در جامعه است. آیا میزان و حجم آموزش نظری و تئوریک با یافته‌ها و دریافت‌های علمی در بستر اجرا و عملیاتی شدن آن‌ها همسانی و همخوانی دارد؟ در پاسخ باید گفت در این خصوص کارشناسان معتقدند که متأسفانه رابطه تنگاتنگی بین آموزش تئوری و پیاده‌سازی آن در عمل و اجرا وجود ندارد و می‌باید که در نظام آموزشی تغییرات جدی صورت گیرد. البته به‌وضوح دیده‌شده است که هر جا پای آموزش‌های مهارتی و یا آموزش‌های نظری و فنی و عملی در اختلاط با یکدیگر در میان بوده، نتیجه و خروجی حاصل از آن، در سطح قابل‌اعتنایی بوده است. آموزش تئوری اگر با دریافت‌های علمی همراه نباشد همواره انبان و انباری در مغز افراد خواهد بود و هیچ‌گاه محسنات و نتایج و بازخورد آن در جامعه پیاده نخواهد شد. متأسفانه بسیاری از دانش آموزان و دانشجویان پس از فراغت از تحصیل، تنها چیزی که عایدشان می‌شود افتخار دستیابی به مدرکی است که به‌زعم خودشان چند سال خود را درگیرش داشته‌اند و دیگر هیچ. فراغت از تحصیل این افراد، آغاز زمانی است که درراه خلاصی از بیکاری، سر از مکان‌هایی درمی‌آورند که هیچ سنخیتی با دریافت‌های علمی‌شان نداشته است. این راهی است که گرچه باید به جلو می‌رفت، اما برگشت به عقبی بیش نیست. در این حالت به نظر می‌رسد که نظام آموزشی می‌باید درراه بهبود کیفیت و کمیت آموزشی خود، برای نسل‌های آتی که آن‌ها را متصل به شعار آینده‌سازان مملکت می‌کند، دارای برنامه‌ریزی جدی و اصولی باشد که هر فردی از اوان کودکی بر مبنای سنجش شناخت و علاقه و نبوغ ذاتی‌اش، مسیر درست هدایت و آموزش او در پیش‌گرفته شود تا پایه‌های آموزش و تربیت او از ابتدا مستحکم و مطمئن برداشته شود و مهم‌ترین اصل آموزشی که خروجی یافته‌های او در بستر پیاده‌سازی و عملیاتی شدن تئوری‌های اوست تحقق یابد. اینجاست که تلفیق آموزش‌های نظری و یافته‌های مهارتی اصلی، جدایی‌ناپذیر برای هر فردی است که پیشروی در راه علم و دانش را سرلوحه کار خود می‌کند.

فرضیه

دو نگاه متفاوت به یک تخلف

اسپهبدی جاوید
روزنامه‌نگار

نجومی در شهرداری تهران در انتظار گزارش نهایی سازمان بازرسی است، از سویی موازات این ماجرا با چالش فیش‌های حقوقی کلان، بستر مناسبی برای محک زدن خلوص دغدغه‌های برخی رسانه‌ها، جریان‌ها و چهره‌های اصول‌گرا بود.

از طرفی احمد حکیمی پور از اعضای پیگیر شورای شهر تهران در ماه‌های اخیر طرح لغو اختیارات تفویض شده به شهرداری تهران را مطرح کرده و معتقد است که بعضی اختیارات فراقانونی شهرداری تهران می‌تواند زمینه تخلف در این نهاد شهری را رقم بزند. او که بر اساس اخبار دریافتی‌اش از گزارش سازمان بازرسی کشور میزان تخلف شهرداری را ۱۵۰ میلیارد تومان در کمک به تعاونی‌ها و ۲۲۰۰ میلیارد تومان در واگذاری املاک به اشخاص حقیقی می‌داند، درباره جزییات این گزارش بیان داشته است که مدت‌هاست این دغدغه را داشته و معتقد است، گزارشات مالی شهرداری باید دائماً بررسی شود.

رییس فراکسیون اصلاح‌طلبان شورای شهر تهران دراین‌باره افزوده است: «این گزارش سازمان بازرسی می‌تواند نمونه‌ای از تخلفات باشد و دروافع افتاب آمد دلیل آفتاب، چون هیچ نظارت مناسبی از سوی شورا صورت نمی‌گیرد،» حکیمی پور با انتقاد از دسترسی نداشتن اعضای شورای شهر به این گزارش و با تأکید بر نقش نظارتی شورا و لزوم بازگرداندن اموال بیت‌المال، می‌افزاید: «به تخلفات مسئولان امر هم باید رسیدگی کاملی صورت بگیرد. این پرونده به‌خوبی ضعف نظارتی شورا را نشان می‌دهد و اعضا باید یک بررسی کلی دررود نظارتی و اختیاراتی که به شهردار داده‌شده، داشته باشند.» در این اثنا، نوع عکس‌العمل‌ها به انتشار جزئیات واگذاری املاک نجومی به مدیران شهرداری و نزدیکان قالیباف، از سوی چهره‌های اصول‌گرا و رسانه‌های قدرتمند این جریان نجومی برخی از مدیران بود. پس از چند روز، اخبار واگذاری املاک که گفته می‌شد به‌جز بعضی اعضاء و کارمندان شورای شهر تهران به برخی اعضای چند تعاونی، ازجمله برخی کارمندان اثرگذار صداوسیما نیز واگذارشده بود، سرعتی مردم را در فضاهای مجازی درآورد تا اینکه در جلسه علنی شورای شهر، غلامرضا انصاری و احمد حکیمی پور از ورود سازمان بازرسی کل کشور به این پرونده خبر دادند و در تذکراتی، از رییس شورای شهر خواستند که نامه بازرسی کل کشور را در اختیار اعضای شورای شهر تهران قرار دهد.

اگرچه در ابتدای امر و در آن جلسه مهدی چمران دریافت این‌چنین نامه‌ای از سازمان بازرسی را تکذیب کرد لیکن بعضی اعضای شورای اسلامی شهر تهران با تأیید این موضوع، از لزوم دسترسی اعضا به اسناد این پرونده سخن گفته و بر پیگیری راسخ این تخلف تأکید نمودند. اکنون چالش املاک نگرانی‌هایی را در جامعه ایجاد کرد، هرچند فیش‌های حقوقی نامتعارف مدیران دولتی هم هیچ جای دفاعی نداشت اما دم خروس دلواپسی زمان زیادی برای پیدا شدن نیاز نداشت چراکه در فاصله کوتاهی از چالش حقوق‌های کلان، چالش املاک نجومی به آزمون مهمی برای آن‌ها بدل شد. رسانه‌های اصول‌گرا بعد از انتشار شبهه واگذاری‌های نامتعارف املاک در شهرداری تهران، واکنشی نداشتند و ترجیح دادند سکوت کنند. پس از چند روز برخی رسانه‌های اصولگرا، وارد معرکه شدند و برخی از چهره‌های آن‌ها، به‌جای نقد شبهه ویژه خواری‌های صورت پذیرفته، حتی بازی را عوض کردند و دوباره توپ را به زمین فیش‌های حقوقی انداختند تا جایی که مهدی چمران رییس اصول‌گرای شورای شهر، دراین‌باره گفت: «هدف از نجومی خواندن واگذاری برخی خانه‌ها از سوی شهرداری، پوشاندن مسئله فیش‌های حقوقی است.» اما در همین احوال، بیان یک مطلب از سوی قالیباف موجی از نگرانی‌ها را در فضای مجازی و مدیران مردم به راه انداخت، شهردار تهران در مراسم تجلیل از کارمندان نمونه شهرداری تهران درصدد برآمد تا به دفاع از عملکرد شهرداری در این موضوع بپردازد که دراین‌بین بیان نمود: «حتی در برخی موارد برخی تعاونی‌هایی که برای شهرداری تهران و کارکنان نیز نبودند مورد کمک شهرداری قرارگرفته‌اند.» بیان این کمک خارج از عرف زمزمه‌هایی پس از دفاعیه نه‌چندان موفق قالیباف، حکیمی پور عضو شورای شهر تهران درباره این سخنان شهردار تهران موضع می‌گیرد و چنین بیان می‌دارد: «قالیباف مدعی شده که این کار قانونی بوده که ما نمی‌دانیم این قانون از کجا آمده. در دوره اول و در تیرماه سال ۷۸ شورا اختیاراتی را برای شهردار لحاظ کرد. آن مصوبه قانونی است ولی در پایان کار شورا یا باید اصلاح یا لغو می‌شد که ما هیچ‌کدام را نداریم. ظاهراً شورای بعدی در حد تبصره مواردی را اضافه کردند. من حتی روی مجوز شورای قبلی هم هنوز بحث دارم.» نتیجه‌گیری اینکه در ابتدا باید گفت، متأسفانه آنچه تعاونی‌ها همیشه خواسته‌اند این بوده است که به بهانه امر خیر، قانون را دور بزنند.

> **هرچند فیش‌های حقوقی نامتعارف مدیران دولتی هم هیچ جای دفاعی نداشت اما دم خروس دلواپسی زمان زیادی برای پیدا شدن نیاز نداشت چراکه در فاصله کوتاهی از چالش حقوق‌های کلان، چالش املاک نجومی به آزمون مهمی برای آن‌ها بدل شد.**

در این بحث خیلی از مسئولین هم آب به آسیاب این تخلف ریخته و همراه قافله گشتند. بی‌شک وقت آن رسیده تا نهاد تعاونی در جمهوری اسلامی بازنگری شود؛ و نتیجه‌گیری دوم اینکه واگذاری پرسروصدا و مشکل‌آفرین املاک شهرداری این پرسش را طرح می‌کند که علت و ریشه این واگذاری‌ها چه بوده است؟ به نظر می‌رسد که اگر به این ریشه بی‌توجه باشیم نمی‌توانیم به اصل ماجرای واگذاری‌ها پی ببریم. احتمالاً این نکته در ذهن، برای خیلی‌ها مطرح‌شده است که چرا پرداخت پول نقد به افراد یا کارکنان دولت و شهرداری‌ها عملی ناپسند است ولی دادن وام‌های کم‌بهره یا آپارتمان و زمین یا خودروی ارزان‌قیمت عملی عادی محسوب می‌شود؟ شاید کمتر مدیر یا کارمند باسابقه‌ای را بتوان پیدا کرد که از این امکانات استفاده نکرده باشد. بی‌شک اگر واگذاری املاک با تخفیف‌های زیاد به برخی افراد از جریان خاص از سوی شهرداری تهران رخ‌داده باشد، فساد، تبعیض و تخلف آشکار است. دستگاه‌های نظارتی - امنیتی و قوه قضاییه که چشم‌های ملتاند باید در این مورد به مردم توضیح بدهند، چراکه از سال ۸۴ شاهد گسترش و تعمیق فساد در کشور هستیم که این فسادها طبعاً تمام ارکان و حوزه‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری را تحت تأثیر قرار داده است. بی‌شک برای واکاوی علل و ریشه‌های کم‌رنگ شدن تقوی در میان برخی مسئولین بالادستی از سال ۸۴ پژوهشی روانکاوانه لازم است. درگذشته فسادها موردی بود اما در این ده سال اخیر شاهد گستردگی آن هستیم. یک‌بار برای همیشه باید واگذاری هر امتیازی در ادارات و نهادها از اموال عمومی به‌کلی ممنوع گردد و هر فرد شاغلی فقط حقوق دریافت کند که بی‌شک شفافیت عملکرد، لازمه ابتدایی این امر است.

نظریه

نظام آموزشی، مانعی بر سر راه توسعه همه‌جانبه

ابوالفضل زاهدی پور
روزنامه‌نگار

در خصوص وضعیت آموزش‌وپرورش در ایران و تحلیل میزان کارآمدی نظام‌های آموزشی و شیوه تعلیم و تربیت به‌ویژه در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نقدهای بسیاری مطرح گردیده و سعی بر آن شده است تا با ایجاد تغییرات و انجام اصلاحات در نظام آموزش‌وپرورش کشور، با ایجاد تحولات کیفی، بستر مناسبی برای رشد و شکوفایی استعدادهای دانش آموزان فراهم گردد. تردیدی نیست که در ارزیابی کامیابی‌ها و ناکامی‌های هر دوره، شاخص‌ها و معیارهایی برای سنجش می‌بایست وجود داشته باشد. درحالی‌که امروزه شمار دانش‌آموزانی که در مقاطع مختلف تحصیلی تا پایان دوره متوسطه در کشور ایران مشغول به تحصیل هستند از مرز سیزده میلیون نفر گذشته و دنیای امروز با توجه به در هم نوردیدن مرزهای تکنولوژی و فناوری بسیار مدرن شده است، تردیدی نیست که نظام آموزشی موفق و کارآمد است که متناسب با اقتضائات روز طراحی و برنامه‌ریزی‌شده باشد و قابلیت و انعطاف‌پذیری لازم را در جهت روزآمدی داشته باشد.

گسترش عمومی آموزش‌وپرورش به شیوه نوین در ایران پس از صدور فرمان مشروطیت آغاز شد و در سال‌های حکومت پهلوی دنبال شد اما عمده تحولات اساسی نظام آموزش‌وپرورش در ایران به سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی بازمی‌گردد. در این سال‌ها نظام تعلیم و تربیت کشور با نوسانات شدید مواجه بوده و چالش‌های متعددی پیش روی نظام آموزشی کشور قرار داشته است. با شناخت صحیح این چالش‌ها و درک درست از ماهیت تعلیم و تربیت در کشور می‌توان پی برد که آنچه به‌عنوان اصلاحات نظام آموزشی مورد اقدام متولیان امر قرارگرفته است بیشتر معطوف به فرم و شکل آموزش بوده است و به‌واقع در خصوص محتوای آموزشی همواره با کاستی‌ها و نارسایی‌های اساسی مواجه بوده‌ایم. شاخص‌های مهمی درراه شناسایی و ارزیابی این کاستی‌ها مدنظر کارشناسان و تحلیل گران این حوزه قرار دارد که اساسی‌ترین آن، شاخص‌های توسعه‌ای است. به‌خوبی پیداست که رابطه مستقیمی بین توسعه‌نیافتگی کشور ایران و شیوه تعلیم و تربیت آن وجود داد. در روزگاری که بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، هماهنگ با تحولات روزافزون دانش و فناوری شیوه‌های آموزشی خود را به‌روزرسانی می‌کنند، در کشور ایران با بی‌توجهی به آموزش‌های پایه و ابتدایی نه‌تنها به رشد و توسعه کشور کمکی نمی‌شود که بسا موانعی بر سر راه توسعه کشور به وجود می‌آید. موانعی که وجود آن‌ها چندان مهم و اساسی است که تمامی بخش‌های توسعه‌ای کشور را از خود متأثر می‌سازد و متأسفانه در این سال‌ها به‌شدت مغفول مانده است. با نگاهی به آمار منتشرشده سال گذشته سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در خصوص رتبه‌بندی آموزشی یکسوم از کشورهای جهان به‌عنوان نمونه، به وضعیت نه‌چندان مطلوب کشور ایران دررود توسعه می‌توان پی برد. در این گزارش با بررسی صورت گرفته از وضعیت آموزشی ۷۶ کشور دنیا، ایران در رتبه ۵۱ ازنظر سطح آموزشی قرارگرفته است. ازنظر کارشناسان محقق این مسئله، ثروتی که هر کشور در آینده تولید خواهد کرد و وضعیت رشد اقتصادی آن کشور از هم‌اکنون با توجه به شاخص‌های آموزشی مورد ارزیابی، قابل پیش‌بینی است. با نگاهی به صدر جدول کیفیت آموزشی برتر و قرار گرفتن کشورهای سنگاپور، هنگ‌کنگ، ژاپن و کره جنوبی، به‌سادگی می‌توان به صحت ادعای این کارشناسان و تحلیلگران در خصوص رابطه کیفیت آموزشی و رشد اقتصادی در آینده پی برد. کشور ایران باوجود بهره‌مندی از استعدادهای طبیعی و خدادادی در کنار استعدادهای انسانی فراوان متأسفانه با ضعف و ناکارآمدی نظام آموزشی خود نتوانسته است رشد متناسب با ظرفیت‌های موجود را داشته باشد. باید پذیرفت دررود توسعه همه‌جانبه کشور، فرهنگ جامعه بسیار مؤثر است و برای بهبود وضعیت فرهنگی نیازمند اصلاح ساختار تربیتی کشور هستیم. ساختاری که علاوه بر فرم نظام آموزش‌وپرورش به مسائل مهم محتوایی ازجمله ضرورت شناسایی استعدادهای فردی، توانمندسازی و بسترسازی مناسب رشد خلاقیت و پویایی دانش آموزان بپردازد. بدیهی است با درک درست اقتضائات روز و شناخت آسیب‌های موجود و موانع پیش رو بایستی تحولات اساسی در مسیر بالا رفتن بهره آموزشی کشور صورت پذیرد. به‌کرات موانع آموزش صحیح در کشور برشمرده شده است و راهکارهای آن از سوی متخصصین و کارشناسان امر تعلیم و تربیت ارائه‌شده است اما باید دانست سیاست‌های کلی آموزش‌وپرورش در کشور متأسفانه در سال‌های اخیر تحت تأثیر تحولات حاکمیتی و دولتی بوده است و سیاست‌گذاری با اهداف درازمدت و برنامه‌های مدون مدام با نقد و جرح‌وتعدیل همراه بوده است که ثمره مثبتی برای نظام آموزشی کشور به همراه نداشته است.

مهم‌ترین بحث در خصوص ناکارآمدی نظام تعلیم و تربیت کشور طرح این مسئله مهم و اساسی است که آموزش‌وپرورش به‌عنوان بزرگ‌ترین دستگاه دولتی، سهم ناچیزی از بودجه دولت را دارد و این امر مهم‌ترین مانع بر سر راه کارکردهای صحیح این بخش مهم از دولت است. مجهز نبودن مدارس، دستمزد پایین معلمان، عدم توانایی در بهره‌مندی از معلمان مستعدتر به دلیل پایین بودن دستمزد (به‌ویژه در مدارس دولتی) منجر به عقب افتادن نظام آموزشی کشور ما نسبت به سایر کشورهاست. در کنار این موارد روش‌های جذب و گزینش نیروی انسانی و نیز نظام کنترل و نظارت کارآمد نیست و از طرفی برنامه‌های درسی در مقاطع مختلف بادانش و فناوری روز انطباق ندارد. به‌خوبی پیداست به‌منظور ایجاد تحول کیفی در تعلیم و تربیت کشور بایستی استانداردهای آموزشی در راستای برنامه‌های توسعه‌ای کشور تدوین شوند تا آموزش دیدگان چنین نظامی، خلاق و پویا بوده و آمادگی حضور فعال در جامعه را داشته باشند و مهارت‌های اساسی زندگی را آموخته باشند. چنین نظامی خواهد توانست روی تک‌تک دانش آموزان، در نقش‌آفرینی اجتماعی و اقتصادی و حضور فعال آن‌ها حساب باز کند و برای آن‌ها در مسیر توسعه و رشد اقتصادی کشور سهم قائل شود؛ اما متأسفانه با سایه افکندن کنکور بر سر دانش آموزان نظام آموزشی معطوف به آموزش در جهت ورود به دانشگاه شده است و کنکور بسیاری از کارکردهای آموزشی را زیر سؤال برده است. در چنین نظامی شاهد آنیم که اهداف یادگیری همه‌جانبه نیست. از طرف دیگر با ناکارآمدی بخش دولتی، اقبال به مدارس غیردولتی که در آن علاوه بر کیفیت آموزشی بالاتر مهارت‌آموزی نیز می‌شود و استعداد فردی دانش آموزان موردتوجه قرار می‌گیرد افزون‌شده است که علاوه بر بار کردن هزینه‌بر بسیاری از خانواده‌ها، اختلاف سطح آموزشی فراوانی را ایجاد نموده است که باروح قوانین و اهداف نظام جمهوری اسلامی همخوانی ندارد.

> **با نگاهی به صدر جدول کیفیت آموزشی برتر و قرار گرفتن کشورهای سنگاپور، هنگ‌کنگ، ژاپن و کره جنوبی، به‌سادگی می‌توان به صحت ادعای این کارشناسان و تحلیلگران در خصوص رابطه کیفیت آموزشی و رشد اقتصادی در آینده پی برد.**

با تدبیر در خصوص ایجاد تحولات محتوایی در برنامه‌های آموزشی و نیز ضرورت اختصاص بودجه متناسب با نیازهای آموزشی مقتضی و همسو کردن استانداردهای آموزشی با اهداف توسعه همه‌جانبه و پایدار می‌توان امیدوار بود با توجه به ظرفیت‌های موجود در کشور بتوان با اصلاح تربیتی و فرهنگی در آینده‌ای نه‌چندان دور، علاوه بر رشد و توسعه کشور شاهد پایین آمدن میزان قابل‌توجهی از فقر و بسیاری از آسیب‌های اجتماعی بود. پیداست از مهم‌ترین الزامات این اقدامات، شناسایی و درک درست آموزش مدرن و اقتضائات دنیای مدرن امروز است.

گپ

کمیل سوهانی، کارگردان مستند «مادر کشی» در گفت‌وگو با آیت ماندگار:

برخی مدیران، فیلمم را زرد و پوپولیستی دانستند

سرویس فرهنگی- مینا قدرتی: کمیل سوهانی متولد ۱۳۶۰ و فارغ‌التحصیل مهندسی برق است؛ اما به علت علاقه به کار در فضای فرهنگی، پس از چند سال کار در عسلویه، مهندسی را رها کرده و برای گذراندن دوره کارشناسی ارشد علوم رسانه وارد دانشگاه صداوسیما می‌شود. او اکنون به کار فیلم‌سازی تلویزیونی اطلاعات و تجربیات بسیار خوب و بازرشی دارند و از طرفی هنوز هم روحیه معلمی خودشان را حفظ کرده‌اند، کار کردن با ایشان بسیار لذت‌بخش و مغتنم است.

■ کار کردن با ایشان راحت است؟

آقای شکیبانیا چون رسانه را به‌خوبی می‌شناسند و در حوزه مستند و برنامه تلویزیونی اطلاعات و تجربیات بسیار خوب و بازرشی دارند و از طرفی هنوز هم روحیه معلمی خودشان را حفظ کرده‌اند، کار کردن با ایشان بسیار لذت‌بخش و مغتنم است.

■ به نظر می‌آید سخت‌گیر باشند؟

در فرهنگ ژاپنی یک اصلاحی هست به اسم «سمپایی». سمپایی درواقع همان پیشکسوت خودمان است. در فرهنگ ژاپنی، افراد هیچ کاری را بدون «سمپایی» شروع نمی‌کنند. در ژاپن این فرد پیشکسوت همیشه پیش از شما قرار می‌گیرد. مثلاً وقتی شما وارد دانشگاه می‌شوید همیشه اول یک «سمپایی» برای شما هست؛ یعنی اول دست شما را به دست آن «سمپایی» می‌دهند که شما را پیش ببرد. این امر به‌نوعی از شیوه فکری مشرق زمین برمی‌آید تا رحت تأثیر قرار داده است. در مستند «مادر کشی» هم بخشی از حرف ما همین بود که چطور بدون اتکا به تجربیات چند هزارساله ایرانیان در مهندسی و مدیریت منابع آب و با استفاده از دانش غیربومی و ناهماهنگ با واقعیت زیست‌بوم در کشور دچار بحران را قبول داشتند.

■ یعنی به سیاه نمایی هم متهم شدید؟

بله برخی می‌گفتند این فیلم خدمات جامعه مهندسی را در حوزه سدسازی زیر سؤال برده است.

■ نحوه آشنایی‌تان با آقای شکیبانیا تهیه‌کننده مادر کشی به چه صورت بود؟

آقای شکیبانیا در دوران راهنمایی معلم من بودند، ایشان‌هم آن زمان مهندسی برق می‌خواندند، آقای شکیبانیا هم کار مهندسی را کنار گذاشتند و به فیلم‌سازی مشغول شدند، من هم با یک‌فاصله ۱۵، ۱۶ ساله همین کار را کردم.

■ کار کردن با ایشان راحت است؟

آقای شکیبانیا چون رسانه را به‌خوبی می‌شناسند و در حوزه مستند و برنامه تلویزیونی اطلاعات و تجربیات بسیار خوب و بازرشی دارند و از طرفی هنوز هم روحیه معلمی خودشان را حفظ کرده‌اند، کار کردن با ایشان بسیار لذت‌بخش و مغتنم است.

■ آیا این نگاه و احترام به پیشکسوت تأثیری هم در فیلم‌سازی شما داشته است؟

خارج از مسائل فردی، در حوزه رویکردهای کلان یک جامعه هم من معتقدم بدون نگاه به گذشته و استفاده از تجربیات گذشتگان نمی‌توان قدمی درراه آینده برداشت. آقای دکتر «مرتضی فرهادی» در مقدمه کتاب «انسان‌شناسی یاریگری» از حرکت آونگی نام می‌برند. ایشان می‌گویند یک آونگ هرچه قدر بیشتر به عقب کشیده شود با سرعت و قدرت بیشتری به سمت جلو پر تاپ می‌شود. نگاه به گذشته به معنی توقف در آن نیست، بلکه به معنی استفاده از گنجینه تجربیات چند هزارساله و احترام به دانش آنباشته ایشان برای حرکت به سمت آینده است. در مستند «مادر کشی» هم بخشی از حرف ما همین بود که چطور بدون اتکا به تجربیات چند هزارساله ایرانیان در مهندسی و مدیریت منابع آب و با استفاده از دانش غیربومی و ناهماهنگ با واقعیت زیست‌بوم در کشور دچار بحران رابطه با راه رفتن انسان می‌زند. او می‌گوید، زمانی که ما راه می‌رویم یک‌پایمان را جلو می‌گذاریم و یک پا در عقب قرار می‌گیرد. آن پایی که جلو قرار می‌گیرد در واقع پایی است که به آینده داریم یعنی پایی که آینده را برای ما تعریف می‌کند؛ اما پای عقبی ما در واقع اهرمی است که ما را نگه می‌دارد و آن‌همان سمپایی و همان سنت و آگاهی‌ای است که از قبل داشتیم. اگر آن محکم نباشد، نمی‌توانیم پای جلوی‌مان را هم درست برداریم. درواقع این دو تا هستند که همدیگر را پیش می‌برند و ما هرگز قادر نخواهیم بود بدون اینکه پایی درگذشته داشته باشیم، آینده را تعریف کنیم. از این بابت سخت‌گیری‌های آقای شکیبانیا به عنوایی سمپایی و پیشکسوت برای ما بسیار لذت‌بخش و مغتنم است.

■ در حال حاضر مستندی در دست‌ساخت دارید؟

بله الآن یک مستند در ارتباط با رویکرد کشور ژاپن به توسعه دارم می‌سازم.

■ می‌توانید بیشتر توضیح دهید؟

ظاهراً ژاپنی‌ها به یک فرآیندی در توسعه‌شان اهمیت می‌دهند و آن‌هم فرآیند بومی‌سازی است. دوست داریم که نمونه‌ها و مصداق‌هایی از این بومی‌سازی مفاهیم دنیای مدرن را در صنعت، تکنولوژی و توسعه ژاپن پیدا کنیم و به تصویر بکشیم.

■ برای آنکه مستندهای آتی شما و همکارانتان در کشور بیشتر دیده شود چه پیشنهاداتی دارید؟

خب مستند باید در ذائقه مردم جا بیفتد. الآن مردم ما خیلی مستندبین نیستند؛ چون ذائقه‌شان باکارهای نمایشی سازگار شده است. نهادی که خیلی در این زمینه مؤثر است، صداوسیما است. چراکه جایگاه اصلی مستند در تلویزیون است، اما تلویزیون بیشتر به کارهای نمایشی اهمیت می‌دهد تا مستند؛ بنابراین ذائقه مردم خیلی با مستند جور نیست و مردم نمی‌توانند قبول کنند که می‌شود برای مستند پول داد، بلیت خرید، با خانواده وقت گذاشت و به سینما رفت تا وقتی‌که این‌گونه است خیلی نمی‌توان امیدوار بود که مستند آب‌دهیم. این غفلت ازآنچه که بودیم و بی‌اهمیت دانستن آن درراه حرکت به سمت آینده مشکل بزرگی است که در مسیر توسعه کشور با آن مواجه هستیم.

■ مستندهایی که تابه‌حال ساختید و مستندهایی که در آینده قرار است بسازید بر روی موضوع خاصی متمرکز هست؟

بحث اصلی، مسئله توسعه است. به نظرم اگر ما توسعه را خوب بفهمیم بسیاری از مشکلاتی که امروز در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، محیط زیستی و فرهنگی داریم، از بین می‌رود؛ یعنی مشکلات محیط زیستی ما، با مشکلات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی‌مان هم‌ریشه هستند و این هم به این خاطر است که ما مسئله توسعه را بد فهمیده‌ایم.

■ در حال حاضر مستندی در دست‌ساخت دارید؟

بله الآن یک مستند در ارتباط با رویکرد کشور ژاپن به توسعه دارم می‌سازم.

■ می‌توانید بیشتر توضیح دهید؟

ظاهراً ژاپنی‌ها به یک فرآیندی در توسعه‌شان اهمیت می‌دهند و آن‌هم فرآیند بومی‌سازی است. دوست داریم که نمونه‌ها و مصداق‌هایی از این بومی‌سازی مفاهیم دنیای مدرن را در صنعت، تکنولوژی و توسعه ژاپن پیدا کنیم و به تصویر بکشیم.

■ برای آنکه مستندهای آتی شما و همکارانتان در کشور بیشتر دیده شود چه پیشنهاداتی دارید؟

خب مستند باید در ذائقه مردم جا بیفتد. الآن مردم ما خیلی مستندبین نیستند؛ چون ذائقه‌شان باکارهای نمایشی سازگار شده است. نهادی که خیلی در این زمینه مؤثر است، صداوسیما است. چراکه جایگاه اصلی مستند در تلویزیون است، اما تلویزیون بیشتر به کارهای نمایشی اهمیت می‌دهد تا مستند؛ بنابراین ذائقه مردم خیلی با مستند جور نیست و مردم نمی‌توانند قبول کنند که می‌شود برای مستند پول داد، بلیت خرید، با خانواده وقت گذاشت و به سینما رفت تا وقتی‌که این‌گونه است خیلی نمی‌توان امیدوار بود که مستند یک ژانر رسانه‌ای پربازده باشد. به همین دلیل مستندسازان وابسته به نهادهای مختلف هستند و از آن‌ها پول می‌گیرند و نمی‌توان امیدوار بود که کسی با هزینه شخصی مستند بسازد و از محل فروشش، پولش برگردد. وقتی هم که این اتفاق نیفتد مستندها، مستندهای سفارشی می‌شوند.

> **در مستند «مادر کشی» هم بخشی از حرف ما همین بود که چطور بدون اتکا به تجربیات چند هزارساله ایرانیان در مهندسی و مدیریت منابع آب و با استفاده از دانش غیربومی و ناهماهنگ با واقعیت زیست‌بوم در کشور دچار بحران آب‌دهیم.**

■ مادر کشی هم مستندی سفارشی بود؟

از این لحاظ که هزینه‌های ساخت آن را مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری تقبل کرد، سفارشی بود و اگر این اتفاق نمی‌افتاد ما اصلاً هزینه ساختش را نمی‌توانستیم بدهیم. بنابراین به‌عنوان شغل، نمی‌توان به مستندسازی نگاه کرد.

به‌عنوان شغلی که بتوان با آن زندگی را گذراند، نمی‌شود نگاه کرد؛ یعنی باید در کنار مستندسازی چند شغل دیگر داشت.

■ حرف آخر؟

در فضایی که الآن در کشور وجود دارد، موضوعاتی است که روی زمین‌مانده و مستندسازان می‌توانند سراغش بروند و راجع به آن‌ها فیلم بسازند، بسیار زیاد است. بحران‌های کشور ما یکی دوتا نیست، خیلی زیاد است؛ مسائل فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی؛ اما متأسفانه مستندهای ما هم مستندهایی نیستند که مسائل اصلی و اساسی جامعه خودشان را بازگو کنند.

■ شاید به خاطر سانسور و سخت‌گیری‌ها هم باشد.

آن‌هم بخشی از سختی کار است؛ اما به نظر می‌رسد خیلی هم کسانی که وارد این حوزه می‌شوند با مسائل اساسی جامعه ارتباط ندارند. من الآن می‌توانم تعداد بسیار زیادی از مسائلی را نام ببرم که جا دارد کسانی که توانمندی ساختن مستند دارند، سراغ آن‌ها بروند و مردم و جامعه را نسبت به آن‌ها آگاه کنند؛ اما فضای غالب فیلم‌هایی که ساخته می‌شود از مسائل اساسی جامعه‌مان دور هستند.

■ مادر کشی هم سانسور شد؟

سانسور اساسی نشد، یعنی سفارش‌دهنده فیلم خیلی با ما همکاری کرد و بخش‌های کمی را با توافق همدیگر حذف کردیم.

درنگاه

وقتی درآمد جای علاقه را می‌گیرد

نجمه پوریری
استاد دانشگاه

در مسیر انتقال به شرایط نوین و متغیر فن‌آوری جدید صنعتی، نظام آموزشی، می‌تواند در همسان‌سازی و هماهنگی جامعه با شرایط جدید نقش مهمی را ایفا کند. در این میان یکی از وظایف مهم نظام آموزشی فراهم کردن شرایطی است که در آن نیروهای دانش‌آموخته بتوانند از مهارت‌های متناسب با نیازها و شرایط بازار کار برخوردار باشند و این مهم منوط به آن است که اهداف آموزشی، محتوای برنامه‌های درسی و روش‌های اجرای آن‌ها و همچنین نیازمندی‌های شغلی و حرفه‌ای مراکز اقتصادی و صنعتی موردبررسی قرار داده شود؛ بنابراین بررسی نظام آموزشی یک جامعه در فراهم کردن رشد و توسعه قابلیت‌های افراد از موضوعات بسیار مهم اساسی است.

سؤالی که در این میان پ

آیت ماندگار

چهارفصل

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محمد آیتی
- سردبیر: زیر نظر شورای سردبیری
- مدیرهنری: عالیه اعتمادیان
- وب سایت: www.ayatemandegar.ir
- آدرس: تهران - خیابان سئول - کوچه ششم شرقی - پلاک ۲ - واحد۱
- تلفن: ۴۴۲۹۱۵۱۳
- چاپ: نقش افست گرافیک
- پست الکترونیک: ayatemandegar@yahoo.com

نشان ماندگار

راهی به خدا دارد خلوتگه تنهایی
آنجا که روی از خود آنجا که به خود آیی
شهریار

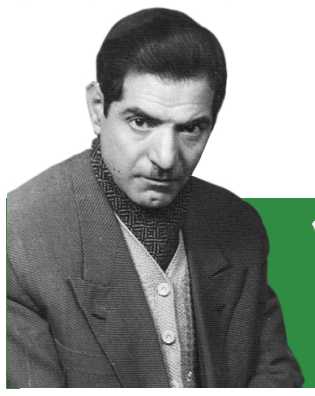

یادآوری

طالقانی، قهرمانی به‌یادماندنی

محمدهادی جامعی
فعال سیاسی

تعداد افرادی که در انقلاب اسلامی ایران قهرمان واقعی و به‌یادماندنی هستند، زیاد نیست. یکی از این افراد بدون شک مرحوم آیت ا... طالقانی بود. طالقانی پدر نسل انقلابی معاصر ایران است. او کسی است که بیش از پنجاه سال با تمام وجود مبارزه و مجاهده نمود و حق بزرگی در پیروزی انقلاب اسلامی ایران داشت. اگر امروز افراد زیادی خود را انقلابی می‌دانند و از نام انقلاب به نان و نوایی رسیده‌اند ولی باید گفت طالقانی قهرمان واقعی دو انقلاب ملی مصدقی و اسلامی خمینی بود که عظمتش در تاریخ ایران هرگز فراموش نخواهد شد. سیدمحمود طالقانی درزمانی یک‌تنه برای تحقق اهداف اسلامی، میهنی و ملی قیام کرد و جانش را بر کف دست گرفت که بسیاری از مدعیان امروزی انقلاب در خانه هفتم هم از بردن نام انقلاب و مبارزه بر خود می‌لرزیدند؛ طالقانی زمانی به اعدام و حبس ابد محکوم شد که تعداد جان‌برکفان راه شهادت و مجاهدت از تعداد انگشتان دودست کمتر بود. طالقانی همان‌طور که به امام و انقلاب اسلامی معتقد بود به نهضت ملی مصدق و نهضت مشروطه و احیاگران و نوگرایان انقلابی نظیر امیرکبیر و سیدجمال‌الدین اسدآبادی ارادت می‌ورزید. طالقانی روحانی مدرن، روشنفکر، مترقی و متجددی بود که سال‌ها قبل می‌دانست نسخه انقلاب اسلامی بدون داشتن یک طرح مدون و پاسخگویی همه‌جانبه و جامع نمی‌تواند در تاریخ ماندگار و باقی بماند و به همین لحاظ همواره در آهنگ کلامش دعوت مردم و مسئولین را به اسلامی مترقی، پویا و رحمانی داشت. طالقانی از ۵۰ سال قبل می‌دانست که اگر روزی انقلاب اسلامی به پیروزی برسد اولِ مصیبت است اگر نتوانیم اسلام ناب محمدی را به جهان معرفی کنیم و امروز شاهد آن هستیم که چطور این مرد بزرگ تاریخ انقلاب ایران پیشگویی می‌کرد که از درون اسلام، خشونت و اسلام متحجرین و عقب‌مانده‌ها می‌تواند جریانات تکفیری و ضد اسلامی داعش، طالبان، القاعده، بوکوحرام و غیره متولد شود! طالقانی در تمام عمر از فریاد و قلمش ندای آزادی، عدالت و رحمت برمی‌خاست و به همین جهت مردم او را یکی از پدران بزرگ جامعه می‌نامند و تمام اقشار جامعه اعم از انقلابی و غیرانقلابی به او عشق می‌ورزند. طالقانی کسی است که در خطرناک‌ترین دوران مبارزه در رژیم خوفناک شاه و ساواک از مبارزه فداییان اسلام حمایت می‌کند و حتی در آن روزهای پرخطر، شهید نواب صفوی را در خانه خودش پنهان می‌نماید. به‌راستی کجا بودند انقلابی‌های پس از انقلاب در فرمان مبارزه وحشتناک با شاه و ساواک زمانی که طالقانی و یارانش جزو معدود افرادی بودند که در این راه پا گذاشتند و جان و مالشان را نثار ملت نمودند. اگر امروز مردم به جهان‌پهلوان تختی عشق می‌ورزند و ادای احترام می‌کنند حتماً می‌دانند که او یکی از شاگردان مکتب طالقانی بود. اگر امروز مردم به مهندس بازرگان و مصدق عشق می‌ورزند حتماً می‌دانند که طالقانی یار وفادار آن‌ها بود و حتی طالقانی حق معلمی و آموزگاری بر بسیاری از مبارزان نیم‌قرن گذشته ایران دارد. خلاصه آنکه تاریخ دو انقلاب ملی و اسلامی از مصدق تا خمینی بدون نام طالقانی هرگز قابل بازنویسی و بازخوانی نخواهد بود اگرچه که بداندیشان و کج فهمان آن را برنتابند و بخواهند انکار کنند. طالقانی مشعل فروزان نیم‌قرن مبارزه بود. طالقانی چراغی است برای روشنایی بخشی آیندگان و عشق ماندگار دل‌های مردم ایران. روحش شاد و یادش گرامی باد.

گالری

یادمان

غدیر خم در نگاه شهید مطهری

در نظر استاد شهید مطهری، گذشته از کتب روایی، حدیث غدیر در بسیاری از کتب تاریخی هم ذکرشده است که آن کتب از منابع معتبر و مهم تاریخ شمرده می‌شوند:

«قدیمی‌ترین کتاب تاریخی اسلام از کتاب‌های تاریخ عمومی اسلامی و از معتبرترین کتاب‌های تاریخ اسلامی که شیعه و سنی آن را معتبر می‌شمارند کتاب تاریخ یعقوبی است. مرحوم دکتر آیتی هر دو جلد این کتاب را ترجمه کرده‌اند، کتاب بسیار متقنی است و در اوایل قرن سوم هجری نوشته‌شده است. ظاهراً بعد از زمان مأمون و حدود زمان متوکل نوشته‌شده. این کتاب که فقط کتاب تاریخی است و حدیثی نیست، از آن کتاب‌هایی است که داستان غدیر را نوشته است. کتاب‌های دیگری که آن‌ها را هم اهل تسنن نوشته‌اند نیز حادثه غدیر خم را ذکر کرده‌اند.»

استاد مطهری حدیث غدیر را که حدیث هدایت و روشنایی است - این‌چنین ذکر و شرح می‌کند:

هنگامی‌که به غدیر خم که نزدیک جحفه است رسیدند، قافله را متوقف و اعلام کردند که می‌خواهم درباره موضوعی با مردم صحبت کنم. (این آیه‌ها نیز در آنجا نازل شد.) بعد دستور داد که منبری برایش درست کردند. از جهاز شتر و چیزهای دیگر، مرکز مرتفعی ساختند. حضرت رفت بالای آن و مفصل صحبت کرد:

«الست اولی بکم من انفسکم؟ قالوا: بلی. آنگاه فرمود: من کنت مولاه فهذا علی مولاه. بعدازاین بود که این آیه نازل شد: الیوم یئس الذین کفروا من دینکم فلاتخشوهم و اخشون الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی... این‌ها را در کتاب‌هایی مثل الغدیر یا ترجمه‌های آن نوشته‌اند. کتابی را چند سال پیش در مشهد همین جوانان کانون نشر حقایق [اسلامی] منتشر کردند که تقریباً زبده و خلاصه‌ای است در مسئله غدیر. شاید خواندن آن کتاب، مفید باشد...»

مشاعره

آل سعود

ز حج و عمره‌ات جانا دل‌افسرده‌ام آن شد
که از هجران فرقت اشک چشمم رود جیحان شد
هزاران حاجی از جور سعودی‌های بی‌ایمان
به راه حق در آن وادی چو اسماعیل قربان شد
به‌جای احترام از زائرین در ماه ذی‌حجه
به پرتاب گلوله یا به سنگ و چوب مهمان شد
خدایا داد مظلومان بگیر از آن ستمکاران
کزین ظلم و ستم یکسر جهانی زار و نالان شد
الها آیتی شب‌ها دعاگو، اشک‌ریزان است
گهی از غم پریشان و گهی چون بید لرزان شد

مرحوم آیت ا... نابغ آیتی - ۱۳۶۷

پی‌نوشت:

این شعر توسط مرحوم آیت ا... نابغ آیتی و پس از قتل‌عام پانصد نفر از حجاج ایرانی در ۹ مرداد ۱۳۶۶ به دست ابن سعود سروده شد که خواندن آن پس از ۲۹ سال از آن واقعه و در سالگرد فاجعه هولناک منا همچنان دارای روح است.

سرمقاله

حسن یزدانی نماد جنگندگی

محمد آیتی
مدیرمسئول

شاید باورکردنی نباشد که ۱۶ سال، کشتی آزاد ایران در المپیک صاحب مدال طلا نشده بود. برای کشوری مثل ما که کشتی، شانس اول افتخارآفرینی کاروان در المپیک می‌باشد تحمل ۳ دوره بدون مدال طلا در رشته آزاد خیلی سخت و ناراحت‌کننده بود. به‌هرتقدیر این طلسم ۱۶ ساله توسط حسن یزدانی، جوان جویباری شکسته شد تا شاید این مسیر برای کسب مدال خوش‌رنگ طلا در دوره‌های بعدی المپیک هموارتر از گذشته شود؛ اما موضوعی که نظر ایرانی‌ها را به خود جلب کرد، اعتمادبه‌نفس بالای حسن یزدانی بود. او با ۲۲ سال سن و با کمترین تجربه بین‌المللی پا به عرصه گذاشت ولی باقدرت و تکنیک مثال‌زدنی خود توانست تمام رقبای خود را شکست دهد تا به بزرگان کشتی دنیا ثابت کند که سن و تجربه تمام کشتی نیست.

اوج اعتمادبه‌نفس این جوان جویباری در دیدار فینال و در مقابل حریف روسی خود بود که حتی وقتی کشتی را شش بر صفر عقب افتاد روحیه‌اش را نباخت و با اطمینان خاطر فنون خود را اجرا کرد و در آخرین ثانیه‌ها مدال طلا را از چنگ حریف گردن‌کلفت خود بیرون کشید. به باور بسیاری از مردم ایران این مدال طلا، دل‌چسب‌ترین مدال کاروان کشورمان در این عرصه بزرگ بین‌المللی بود.

این مدال نه‌تنها نوار ناکامی کشتی آزاد را در المپیک‌های گذشته قطع کرد، بلکه به دیگر ورزشکاران کشور نشان داد که با اعتمادبه‌نفس و جنگندگی می‌شود هر حریفی را شکست داد. به امید آنکه این روحیه جنگندگی در بین تمام ورزشکاران ما و مخصوصاً در عرصه‌های بزرگ بین‌المللی جاری و ساری شود.

حرف آخر

هیچ‌گاه برای المپیک برنامه‌ریزی نداشتیم

حسن خان محمدی
پیشکسوت فوتبال

پس از اختتامیه مسابقات المپیک ریو، بسیاری از مسئولین ارشد ورزش و حتی مردم به دنبال بررسی عملکرد کاروان ورزشی ایران هستند و دراین‌بین عده‌ای هم با نارضایتی در حال نقد تک‌تک ورزشکاران ناکام این دوره از مسابقات هستند. باید قبول کرد که ما برای شرکت در این رویداد بزرگ ورزشی چیزی را نکاشتیم که حالا بخواهیم برداشت کنیم. در روزهای آتی هم شاهد خواهیم بود که پرونده عملکرد کاروان ایران در این مسابقات تا المپیک بعدی بسته خواهد. درحالی‌که مسئولین ارشد ورزش کشور باید بدانند که اتفاقاً کار از فردای بعد از المپیک شروع می‌شود. متأسفانه بسیاری از افراد بانفوذی که پست‌های مدیریت ورزش را اشغال کردند برعکس این تفکر را دارند و تصور می‌کنند برنامه‌ریزی برای کاروان ورزشی کشور از شش ماه مانده به اعزام ورزشکاران شروع می‌شود.

نقش رسانه‌ها برای تغییر تفکر مدیران ورزشی بسیار حائز اهمیت است زیرا غفلت آن‌ها از نقش و عملکرد مدیران ورزشی باعث می‌شود که آن‌ها همچنان و بدون توجه به چشم‌های تیزبین اهالی رسانه همچنان راه غلط خود را ادامه دهند. باید به مدیران ورزشی کشور گفت که دیگر دوره وعده‌ووعیدهای توخالی تمام‌شده است. باید به این مدیران فهماند که برگزاری مراسم برای بدرقه ورزشکاران و قولِ دادن پاداش‌های میلیونی در صورت کسب مدال، تنها راه بالا بردن انگیزه کاروان اعزامی نیست. این ورزشکاران محتاج به حمایت مداوم و چهارساله مسئولین وزارتخانه و روسای فدراسیون خودشان هستند. مگر می‌شود مرتب با دست‌خالی و با کمترین حمایت وارد عرصه‌های مهم ورزشی شد و بعد مدال‌های ارزشمند برای کاروان به ارمغان آورد؟ ما چاره‌ای نداریم جز آنکه یک برنامه و طرح ۲۰ ساله برای موفقیت ورزش داشته باشیم. طرحی که با تعویض دولت‌ها دستخوش تغییر نشود.

امروز به دلیل نداشتن برنامه بلندمدت، شاهد آن هستیم که تیم ملی فوتبال المپیک کشورمان، ۴۴ سال در آرزوی حضور در المپیک مانده است. به‌راستی بااین‌همه استعداد در فوتبال کشور ما نمی‌توانستیم نماینده‌ای شایسته برای آسیا در این تورنمنت باشیم؟ وقتی باشگاه‌های فوتبال ما از آماده‌سازی جوانان و ساختن چهره‌های جدید غافل هستند نتیجه آن می‌شود که ۴۴ سال در حسرت صعود فوتبال کشورمان در المپیک هستیم. وقتی یک نگاه گذرا به بدنه ورزش کشور می‌اندازیم می‌بینیم که بسیاری از مدیران ورزشی، افراد غیرمتخصص هستند. متأسفانه برخی از افراد پیشکسوت ما که حاضرند بی‌منت دانش خود را در اختیار ورزش کشور بگذارند با نامهربانی هرچه‌تمام‌تر، خارج از گود در انتظار یک تعارف نشسته‌اند.

در حال حاضر رابطه و اعمال سلیقه در ورزش کشور تبدیل به یک اصل شده و باید گفت تا زمانی که نگاه مدیران این‌چنین باشد، امیدی به آینده نیست. وقتی یک مربی که برای موفقیت به زمان نیاز دارد قربانی تصمیم آنی مدیران ورزشی غیرمتخصص می‌شود نباید خیلی انتظار موفقیت از تیم‌های ملی رشته‌های مختلف داشت.